

باسمه تعالی

کتاب روحیه انقلابی، نهضت علمی و مدیریت جهادی در گام دوم انقلاب اسلامی

فصل سوم: نهضت علمی..... ۴

الف. مفهوم بردازی..... ۴

تولید علم..... ۴

ب. اهمیت و ضرورت تولید علم..... ۴

۱. اهتمام به جنبش تولید علم..... ۴

۲. ضرورت تولید علم در مقوله‌ی علوم انسانی..... ۴

۳. ضرورت تولید علم بومی..... ۴

ج. اهداف تولید علم..... ۴

۱. ساخت تمدن اسلامی..... ۴

۲. حفظ عزت اسلامی..... ۵

۳. دستیابی به علم نافع..... ۵

۴. عرضه‌ی نوترین فناوری‌ها و نظریه‌ها..... ۶

۵. ایجاد کشوری ممتاز از نظر علمی و فناوری..... ۶

۶. تکرار اوج علمی ایران در چند دهه آینده..... ۶

۷. ارائه‌ی الگوی موفق در زمینه علم و ایمان..... ۶

۸. تبدیل زبان فارسی به زبان علمی دنیا..... ۷

د. موانع و چالش‌های تولید علم..... ۷

۱. چالش‌های خارجی..... ۷

۱,۱. چالش‌ها..... ۷

۱,۱,۱. سلطه و استعمار..... ۷

۱,۱,۲. ممانعت از تجهیز به علم..... ۷

۱,۲. علل ایجاد چالش‌ها..... ۷

۱,۲,۱. جلوگیری از کسب اقتدار..... ۷

۱,۲,۲. جلوگیری از ایران پیشرفته..... ۸

۱,۲,۳. جلوگیری از بومی شدن دانش هسته‌ای..... ۸

۱,۲,۴. زورگویی دائمی..... ۸

۱,۳. روش‌های ایجاد چالش‌ها..... ۹

۱,۳,۱. عکس‌العمل‌های تند..... ۹

۱,۳,۲. محاصره‌ی هدفمند..... ۹

۱,۳,۳. ایجاد جنجال در دنیا..... ۹

- ۱,۳,۴. یأس پراکنی در مسائل علمی..... ۱۰
- ۱,۳,۵. استخدام مزدوران سرویس‌های امنیتی..... ۱۰
۲. چالش‌های داخلی..... ۱۰
- ۲,۱. عملکرد حکومت‌های پادشاهی..... ۱۰
- ۲,۲. مصرف‌گرایی علمی..... ۱۱
- ۲,۳. شبهه‌افکنی و یأس‌آفرینی..... ۱۱
- ۲,۴. همراهی نکردن برخی از اهل علم..... ۱۲
- ۲,۵. فریفته غرب شدن و خودکم‌بینی..... ۱۲
- ۲,۶. اکتفا کردن مجربان تولید علم به شعار..... ۱۲
- ۲,۷. بی‌حوصلگی علمی و تبلی ذهنی..... ۱۳
- ۲,۸. کمبود بودجه پژوهش..... ۱۳
- ۲,۹. کند شدن شتاب علمی..... ۱۴
- ۲,۱۰. تضعیف مدارس استعدادهای درخشان..... ۱۴
- ۵. راهکارهای تولید علم..... ۱۴**
۱. نظری..... ۱۴
- ۱,۱. ایجاد روحیه‌ی جهادی..... ۱۴
- ۱,۲. امیدآفرینی..... ۱۵
- امید؛ شرط اساسی پیشرفت علمی..... ۱۵
- ۱,۳. بسط خودباوری و اعتمادبه‌نفس ملی..... ۱۶
- ۱,۴. شکستن محاصره علمی با شعار «ما می‌توانیم»..... ۱۶
- ۱,۵. شهامت نوآوری و آزادنگری..... ۱۶
- ۱,۶. فرهنگ‌سازی برای ارزش ذاتی علم..... ۱۷
- ۱,۷. تبدیل مسئله‌ی «تولید علم» به گفت‌وگو عمومی..... ۱۷
- ۱,۸. تحقیق و ابتکار علمی..... ۱۷
- نوآوری به دلیل قطعی نبودن نتایج علوم طبیعی و انسانی غربی..... ۱۸
- ۱,۹. نقد و بررسی علوم جدید به جای تقلید..... ۱۸
- ۱,۱۰. تبدیل نگاه مونتاژکاری به نوآوری..... ۱۸
- ۱,۱۱. بالا بردن رشد کیفی مقالات علمی..... ۱۹
۲. عملی..... ۱۹
- ۲,۱. تعریف راهبرد بومی برای پیشبرد دانش..... ۱۹
- ۲,۲. همّت و تلاش..... ۲۰
- ۲,۲,۱. مجاهدت علمی و عملی..... ۲۰
- ۲,۲,۲. تلاش همگانی..... ۲۰
- ۲,۲,۳. تحمل دشواری‌ها..... ۲۱
- ۲,۳. جدی گرفتن علم و تحقیق در دانشگاه..... ۲۱
- پژوهش‌محور شدن دانشگاه‌ها..... ۲۱
- ۲,۴. دامن زدن به مسائل علمی در رسانه..... ۲۱

- ۲,۵. تولید علم به جای تکرار شعارها..... ۲۱
- ۲,۶. سرمایه‌گذاری مستمر در علوم پایه..... ۲۲
- ۲,۷. پرورش استعدادهاى برتر..... ۲۲
- ۲,۷,۱. توجه به استعدادهاى جوان و نخبه‌پروری..... ۲۳
- ۲,۷,۲. توجه به نیازها و به‌کارگیری استعدادهاى بانگیزه..... ۲۳
- ۲,۸. یافتن راه‌های میانبر در تولید علم..... ۲۴
- ۲,۸,۱. راه میانبر؛ راه رسیدن به روند روبه‌جلوی دانش جهانی..... ۲۴
- ۲,۸,۲. راه میانبر برای جبران عقب‌ماندگی صدساله‌ی علمی..... ۲۴
- ۲,۸,۳. تمام اکتشافات فعلی حاصل کشف راه‌های میانبر آنها..... ۲۵
- ۲,۹. تقویت شتاب علمی..... ۲۵
- ۲,۱۰. جریان‌سازی علمی..... ۲۶
- ۲,۱۱. تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی..... ۲۶
- ۲,۱۱,۱. ضرورت تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی..... ۲۶
- ۲,۱۱,۲. حمایت از روش‌های علمی و معقول برای رونق علم و اندیشه..... ۲۶
- ۲,۱۱,۳. تقویت مناظرات علمی و نظریه‌پردازی روشمند..... ۲۷
- ۲,۱۱,۴. استفاده از ابتکار و توان انقلابی..... ۲۷
- ۲,۱۲. ترویج کتاب و کتاب‌خوانی..... ۲۷
- ۲,۱۲,۱. کتاب؛ گنجینه‌ی بزرگ دانش و تحقیق..... ۲۷
- ۲,۱۲,۲. کتاب‌خوانی و علم‌آموزی؛ یک واجب دینی..... ۲۷
- ۲,۱۳. ایجاد وحدت حوزه و دانشگاه..... ۲۸
- ۲,۱۳,۱. مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه..... ۲۸
- ۲,۱۳,۲. مصادیق وحدت حوزه و دانشگاه..... ۳۰

و. اسناد ملی تولید علم..... ۳۱

۱. نقشه‌ی جامع علمی..... ۳۱
- ۱,۱. نقشه‌ی جامع علمی؛ مقدمه‌ی تبدیل کشور به مرجع علمی..... ۳۱
- ۱,۲. فعالیت‌های لازم بعد از تهیه‌ی نقشه‌ی جامع علمی..... ۳۱
- گفتمان‌سازی در زمینه نقشه جامع علمی..... ۳۲
- ۱,۳. رصد میزان عملیاتی شدن نقشه جامع علمی..... ۳۲
- ۱,۴. لزوم ایجاد تعادل واقعی و عادلانه بین رشته‌های گوناگون علمی..... ۳۲
۲. سند چشم‌انداز کشور..... ۳۲
- ۲,۱. مرجعیت علمی با اجرای سند چشم‌انداز..... ۳۲
- ۲,۲. لزوم از بین بردن موانع..... ۳۳
۳. سند گام دوم..... ۳۳
- ۳,۱. توصیه در زمینه علم و پژوهش..... ۳۳
- ۳,۲. لزوم تحقق انقلاب علمی..... ۳۳

فصل دوم: نهضت علمی

الف. مفهوم‌پردازی

تولید علم

جنبش نرم‌افزاری، فقط تهیه‌ی نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیست؛ یعنی باطن و حقیقت و روح هر پیشرفتی؛ یعنی دانش و تولید علم. روح جنبش نرم‌افزاری، یعنی تولید علم و به کار گرفتن ظرفیت استعداد یک ملت. اگر ملتی روی پای خود و با هویت خودش بود، این معنا در او تقویت خواهد شد و پیشرفت خواهد کرد، و آلا همیشه دنباله‌رو است و هر جا برسد، باز هم دنباله‌رو خواهد بود.^۱

ب. اهمیت و ضرورت تولید علم

۱. اهتمام به جنبش تولید علم

در زمینه‌ی علمی، نهضت نرم‌افزاری و تولید علم - که ما دو، سه سال است مرتب آن را مطرح کرده‌ایم - باید تحقق پیدا کند. این شعار نیست. من دنبال این قضیه را گرفته‌ام و به همه‌ی مراکزی که ممکن بوده، توصیه کرده‌ام. منتها من کار اجرایی نمی‌کنم؛ کار اجرایی را باید دستگاه‌های اجرایی بکنند. بحمدالله این کار شروع شده؛ اما باید مسئله‌ی تولید علم جدی شود. ما باید در همه‌ی زمینه‌ها - چه علوم طبیعی و چه علوم انسانی - علم تولید کنیم. اتصال علم و صنعت - که من بارها روی آن تأکید کرده‌ام - باید تحقق پیدا کند. همه‌ی این‌ها سازوکار دارد و می‌تواند در برنامه گنجانده شود.^۲

۲. ضرورت تولید علم در مقوله‌ی علوم انسانی

نوآوری و تولید علم در همه‌ی مقوله‌ها و علوم، به خصوص در مقوله‌ی علوم انسانی، لازم است؛ چون آن‌طور که افراد مطلع در مقوله‌ی علوم انسانی اظهار نظر می‌کنند، ما در علوم انسانی صرفاً مترجم نظرات غربی‌ها هستیم. آن‌ها مطالبی گفته‌اند و نوشته‌اند، ما هم همان‌ها را در مراکز آموزشی خودمان می‌گوییم و تدریس و تکرار می‌کنیم. باید زمینه را فراهم کرد و ما افراد باارزشی که بتوانند به خصوص در بخشی از علوم انسانی کارهای نوینی را انجام دهند، داریم. مثلاً در فلسفه امکان خیلی زیادی داریم.^۳

۳. ضرورت تولید علم بومی

در همه جا هم تکنولوژی پیشرفته و کار اساسی بدون علم پیشرفته امکان‌پذیر نیست؛ یعنی همه چیز عارضی خواهد بود. ممکن است در کشوری دیگران تکنولوژی پیشرفته‌ای را هم بیاورند و بگذارند، اما وقتی در داخل آن کشور، این تکنولوژی متکی و جوشیده‌ی از علم نباشد، فایده‌ای ندارد؛ مثل استخری است که داخل آن آب ریخته باشند، فرق می‌کند با چاهی که از درونش آب می‌جوشد. لذا شما باید برای تولید علم خیلی کار کنید. هر چه شما برای کار علمی تلاش کنید، زیاد نیست و نباید گفت ما داریم کار زیادی انجام می‌دهیم؛ نه، هر مقدار در زمینه‌ی کار علمی پیش رفتید، باز باید احساس کنید تلاش بیش‌تری لازم است. در زمینه‌ی کار علمی، همچنین باید یارگیری کنید.^۴

ج. اهداف تولید علم

۱. ساخت تمدن اسلامی

سرنوشت حتمی عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا پرتو خود را بگستراند. خطی که نظام

۱. بیانات در دیدار با اعضای مجمع صنفی نشریات دانشجویی کشور، ۱۳۸۲/۰۲/۰۸.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵.

۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۳.

۴. بیانات در دیدار دسته‌جمعی روزهای دوشنبه، دیدار با هیئت رئیسه‌ی دانشگاه تهران، ۱۳۷۵/۰۱/۲۰.

اسلامی ترسیم می‌کند خط رسیدن به تمدن اسلامی است... برای ایجاد یک تمدن اسلامی -مانند هر تمدن دیگر- دو عنصر اساسی لازم است. یکی «تولید فکر» یکی «پرورش انسان». فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است، یک اقیانوس است... سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن -که از کتاب و سنت همه اینها استفاده می‌شود- کاری است که همگان باید بکنند. کاری است که در طول زمان باید انجام بگیرد. «تولید فکر» در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است.^۱

۲. حفظ عزت اسلامی

امروز آن دورانی است که باید با ابزار دانش و معرفت و تلاش علمی، کاری کنیم که عقب‌افتادگیهای تحمیلی دوران طولانی سلطه‌ی استبداد در این کشور، جبران شود... امروز وظیفه‌ی شماست که تلاش کنید، و هدف این تلاش هم عبارت است از عزت بخشیدن به اسلام و استقلال بخشیدن به ایران اسلامی. کشورتان را از همه جهت مستقل کنید البته مستقل بودن، به معنای این نیست که در استفاده‌ی از خارج از مرزها را ببندیم؛ این که معقول نیست؛ هیچ کسی هم به این کار دعوت نمی‌کند. در طول تاریخ، افراد بشر از همه استفاده کرده‌اند؛ اما فرق است بین تبادل فکر و اندیشه و دارایی‌ها میان دو موجود همسان و هم‌وزن و هم قدر، در یوزگی یک موجود دیگر از راه التماس و اعطای به او همراه با تحقیر. این، آن چیزی است که کم‌وبیش تا قبل از انقلاب بوده است.^۲

۳. دستیابی به علم نافع

ما راجع به «علم نافع» زیاد صحبت کرده‌ایم؛^۳ در دیدارهای مختلف دانشگاهی، دانشجویی و مانند این‌ها بحث کرده‌ایم راجع به آن. گفتیم «علم نافع» هم یعنی علمی که مسائل کشور را حل می‌کند؛ حل مسائل کشور، علم نافع است؛ یعنی با مسائل گوناگونی که در کشور وجود دارد، مواجهه‌ی علمی بشود؛ در بخش‌های مختلف و گوناگون، ما نقاط کور داریم؛ حالا مثلاً در مسائل اقتصادی، بیماری‌های مُمزنی داریم؛ من باب مثال، «پایین بودن بهره‌وری». یکی از مشکلات اقتصادی ما پایین بودن بهره‌وری فعالیت‌ها است؛ خب این، راه [حل] علمی دارد، روی این باید کار علمی بشود، راه حل علمی دارد. فرض بفرمایید «اسراف در مصرف انرژی» -که شدت مصرف انرژی ما چند برابر دنیا است- خسارت بسیار بزرگ و فراوانی است؛ این راه حل دارد. این را البته بنده چند سال پیش در سخنرانی گفته‌ام^۴ اما این جوری نیست که با گفتن و مثل یک نصیحت، قضیه حل بشود؛ نه، [برای] این باید راه حل علمی پیدا بشود و مشخص بشود؛ اینجا و [در مسائلی] از این قبیل بایست از دانشگاه استفاده بشود.

به هر حال، این علم نافع است که عرض کردیم نیازهای کشور و نقاط کور بخش‌های مختلف، چه صنعتی، چه اقتصادی، چه کشاورزی، چه بخش‌های گوناگون مدیریتی و امثال این‌ها، به وسیله‌ی تحقیقات دانشگاهی و مقالات دانشگاهی روشن بشود؛ این کمک [می‌کند]. این، علم نافع و کاربردی است. خب این را گفته‌ایم، الان هم عرض می‌کنیم، تکرار هم می‌کنیم، روی آن هم اصرار می‌کنیم، منتها در کنار این بایستی به تحقیقات عمیق و بلندمدت هم توجه کرد. کارهای مهمی وجود دارد که سود نقد ندارد، دستاورد نزدیک ندارد، اما جادّه و بستر پیشرفت علمی کشور است؛ یعنی بایستی به دانشمند این فرصت را داد، این اجازه را داد که بلندپروازی کند؛ در مسائل علمی، تحقیقات عمیق و بنیانی برایش مطرح باشد و آنها را دنبال بکند. بنابراین دو جریان وجود دارد، یعنی علم نافع که ما می‌گوییم، صرفاً دانشی نیست که جنبه‌ی کاربردی نقد دارد بلکه یکی‌اش این است؛ یک جریان هم کارهای مهم و اساسی است.^۵

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.

۲. بیانات در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲.

۳. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌های کشور، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲.

۴. بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدس، ۱۳۹۰/۰۱/۰۱.

۵. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۸/۰۳/۰۸.

۴. عرضه‌ی نوترین فناوری‌ها و نظریه‌ها

من در همین اتاق به جمعی از جوان‌های مثل شما گفتم از حالا همت کنید تا پنجاه سال دیگر این کشور بتواند نوترین فناوری‌ها و نظریه‌های علمی را در همه‌ی بخش‌ها به جامعه‌ی بشری عرضه کند. شما با این نیت حرکت کنید. اگر پنجاه سال دیگر بخواهید به آنجا برسید، کارهایی که الان شما دارید می‌کنید، کارهای زیادی نیست؛ قدم‌هایی است که حتماً باید برداشته شود و تسریع گردد.^۱

۵. ایجاد کشوری ممتاز از نظر علمی و فناوری

البته من در اظهارات خود یک چشم‌انداز بلندمدت را در نظر می‌گیرم و از نظر من قطعی است. روندی که ما از اول انقلاب تا امروز مشاهده می‌کنیم و روز به روز هم به صورت تصاعدی اضافه می‌شود - یعنی وجود علم و عالم زمینه ایجاد می‌کند و آن زمینه باز علم و عالم را به وجود می‌آورد و به صورت تصاعدی پیش می‌رود - حاکی از آن است که به فضل پروردگار، کشور ما تا چهل، پنجاه سال دیگر جزو کشورهای پیشرفته‌ی ممتاز از لحاظ علم و فناوری خواهد بود؛ این برای من روشن است و در آن هیچ تردیدی نیست.^۲

۶. تکرار اوج علمی ایران در چند دهه آینده

تاریخ ما هم از لحاظ پیشرفت علمی، تاریخ خوبی است. مسئله‌ی علم در جوامع اسلامی و از جمله در کشور ما، یک مسئله‌ی دیرین و ریشه‌دار است. ما در دوران‌هایی برجستگان علمی دنیا را داشتیم. البته امروز بر اثر عوامل گوناگونی، کشورهای اسلامی - از جمله کشور ما - از لحاظ علمی عقب افتاده‌اند و نتوانسته‌اند پیشرو بودن و امتیازات تاریخی و فرهنگی خود را حفظ کنند؛ لیکن این یک سرنوشت ابدی نیست؛ به این نکته باید توجه کنیم. همچنان که اوج علمی کشورهای مسلمان و از جمله کشور ما در دو قرن چهارم و پنجم هجری - یعنی قرن‌های پیش از رنسانس اروپا - ماندگار و دائمی و ابدی نبود و بر اثر غفلت‌ها از بین رفت و دیگران زرتگی کردند و پیش رفتند، امروز هم این طور نیست که شما تصور کنید پیشرفت علمی اروپا و غرب و آمریکا یک سرنوشت ابدی است و کشورهای به اصطلاح در حال توسعه یا کشورهای عقب‌افتاده‌ی علمی - که امروز بخشی از آن‌ها کشورهای مسلمان هستند - محکومند که همیشه عقب‌افتاده بمانند؛ به هیچ وجه این طور نیست. کاملاً ممکن است تعادل این کفه یک روز دیگر از آن سو شود؛ یعنی شما بشوید پیشرفته‌ترین از لحاظ علمی و غرب به شما نیاز پیدا کند.

اگر شما همت و تلاش کنید و اگر همه - هم شما جوانان، هم مسئولان و هم استادان و محققان - از امکانات کشور به بهترین وجه استفاده کنند و اگر کار خوبی انجام گیرد - که نشانه‌های شروع این کار خوب هم در کشور دیده می‌شود - هیچ اشکالی ندارد که ما تا سی سال دیگر، چهل سال دیگر، پنجاه سال دیگر شاهد باشیم که کشور ایران ما در خط مقدم علمی دنیا قرار گرفته است. البته این که در این خط مقدم در کنار ایران چه کشورهایی هستند، به ما ربطی ندارد؛ اما خیلی‌ها عقب خواهند ماند و ما در خط مقدم قرار خواهیم گرفت. این، همت و تلاش و استعداد می‌خواهد، که ما این استعداد را داریم و این تلاش را باید بکنیم.^۳

۷. ارائه‌ی الگوی موفق در زمینه علم و ایمان

ما می‌خواهیم نسل نمونه‌ای را به دنیا ارائه دهیم که عملاً ثابت کند می‌توان دنبال دانش رفت و دانش را کسب کرد و از ودایع الهی در عالم وجود و در وجود خود انسان حداکثر بهره‌برداری را کرد و متدین و پایبند به ارزش‌های اخلاقی و معنوی هم بود. اگر جمهوری اسلامی و نظام اسلامی بتواند - ولو با گذشت سی سال، چهل سال، پنجاه سال - به دنیا نشان دهد که دانشمند و معتقد به

۱. بیانات در دیدار مخترعان و نوآوران جوان کشور، ۱۳۸۴/۰۱/۳۰.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان نخبه، ۱۳۸۲/۰۷/۳۰.

۳. بیانات در دیدار دانشجویان نخبه، ۱۳۸۲/۰۷/۳۰.

دانش و طالب علم و به کاربرنده‌ی علم، چنان که متدین و معتقد به ارزش‌های دینی و اخلاقی باشد، می‌تواند این برکات را برای بشر به وجود آورد، می‌داند چه تبلیغ بزرگی برای اسلام خواهد بود؛ چه دریچه‌ی فَرَجی به روی بشر باز خواهد شد و بشریت چطور احساس امنیت خواهد کرد؟ اگر نظام اسلامی بر این کار همت گماشته باشد، چه کسانی باید این را در میدان و صحنه‌ی عمل تحقق بخشند؟ شما جوانان.^۱

۸. تبدیل زبان فارسی به زبان علمی دنیا

آن روزی را باید دنبال کنیم که اگر در دنیا دانشمندی خواست یک نظریه‌ی علمی را بفهمد، بشناسد، حل کند و با یک اختراع آشنا شود، مجبور شود زبان فارسی را یاد بگیرد.^۲

د. موانع و چالش‌های تولید علم

۱. چالش‌های خارجی

۱,۱. چالش‌ها

۱,۱,۱. سلطه و استعمار

ما ملت‌های اسلامی که در قرن نوزدهم و در قرن بیستم میلادی دچار استعمار و دچار تسلط دشمنان شدیم، از قافله‌ی علم عقب ماندیم، دشمنان ما قوی شدند و روزبه‌روز ما ضعیف شدیم - آن‌ها خون ما را مکیندند و تقویت شدند، ما خونمان از دست رفت و ضعیف شدیم - و کار به جایی رسید که سرنوشت امت اسلامی، سرنوشت ملت‌های مسلمان در منطقه‌ی خاورمیانه به‌خصوص، افتاد به‌دست حکام ظالم و بی‌انصاف؛ انگلیس در یک دوره‌ای، بعد هم او میراث خودش را تحویل داد به شیطان بزرگ معاصر؛ یعنی رژیم ابالات متحده‌ی آمریکا. به هر حال، از ضعف دنیای اسلام استفاده کردند.^۳

۱,۱,۲. ممانعت از تجهیز به علم

شما می‌بینید دشمنان دنیای اسلام چه فشاری بر روی مسئله‌ی انرژی هسته‌ای در ایران دارند. آن‌ها می‌دانند که ما دنبال بمب اتم نیستیم. آن‌ها از پیشرفت علم در این کشور، از پیشرفت فناوری در یک کشور اسلامی ناراحتند. یک کشور اسلامی‌ای که نشان داده که تسلیم سیاست‌های آمریکا نیست؛ نشان داده که از آمریکا نمی‌ترسد، این کشور اسلامی باید به پیشرفت مهم‌ترین تکنولوژی امروز دنیا - یعنی تکنولوژی هسته‌ای - مجهز نباشد. آن‌ها به خاطر این، فشار را وارد می‌کنند. البته ما تصمیم خودمان را گرفته‌ایم.^۴

۱,۲. علل ایجاد چالش‌ها

۱,۲,۱. جلوگیری از کسب اقتدار

کسانی که چالش عمده‌ی نظام با آن‌هاست، مصلحت خودشان را در چه می‌بینند؟ آمریکا مصلحت خودش را در ایران، با سر پا بودن نظام جمهوری اسلامی، در چه وضعیتی می‌بیند؟ او، مصلحت خودش را در ایجاد اختلاف و از بین بردن این یکپارچگی‌ای که امروز شما در مردم مشاهده می‌کنید و در متوقف کردن حرکت علمی کشور می‌بیند؛ چون علم و دست برتر علمی، راز پیشرفت هر کشوری در اقتدار اقتصادی، سیاسی، نظامی و روحیه‌ای است. ما این حرکت را سال‌هاست که شروع کرده‌ایم و خوب پیش می‌رویم و حرکت با روند تصاعدی

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۷۸/۰۹/۲۹.

۲. بیانات در دیدار مخترعان و نوآوران جوان کشور، ۱۳۸۴/۰۱/۳۰.

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، سفرای کشورهای اسلامی و مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت روز مبعث پیامبر اعظم -، ۱۳۸۵/۰۵/۳۱.

۴. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۵/۰۵/۳۰.

قابل قبول و با تضاعف بالا می‌رود؛ اگرچه که آن‌ها دلشان می‌خواهد این حرکت متوقف شود.^۱

۱,۲,۲. جلوگیری از ایران پیشرفته

چه کسی خیال می‌کرد که در مسابقه‌ی اختراعات جوان‌ها، ایران در دنیا اول شود؟ جوان‌های ما رفتند و اختراعاتشان را عرضه کردند. شما می‌بینید که ما در المپیادهای گوناگون ریاضی و فیزیک و شیمی و رایانه و بقیه‌ی علوم، در دنیا رتبه می‌آوریم؛ این معنایش این است که ما این توان را داریم. ما در زمینه‌ی فناوری هسته‌ای، دشمن خود را - به قول شطرنج‌بازها - مات کردیم؛ جنجال‌ها و عصبانیت‌های بعدی به خاطر این است. من گفتم مسئله‌ی آمریکا سلاح اتمی ایران نیست؛ مسئله‌اش یک ایران پیشرفته است. پس ببینید پیشرفت علمی، مسئله‌ی بسیار اساسی و مهمی است. پیشرفت علمی هم درس خواندن و میل به تحقیق لازم دارد.^۲

۱,۲,۳. جلوگیری از بومی شدن دانش هسته‌ای

می‌بینید راجع به مسائل هسته‌ای در ایران چه جنجالی به راه انداخته‌اند! می‌گویند ایران دنبال دانش هسته‌ای برای ساختن سلاح هسته‌ای است. قسمت دوم را دروغ می‌گویند، اما قسمت اول حقیقت دارد و حقیقتاً مایه‌ی دغدغه آن‌هاست. کدام ملت با وضعیت صنعتی و علمی ملت ایران در دوران بعد از پیروزی انقلاب - یعنی با بازمانده‌ی میراث بسیار ناچیز علمی و صنعتی دوران طاغوت - توانسته بدون کمک دیگران به این فناوری بسیار پیشرفته و پیچیده دست پیدا کند؟! آن‌ها این حقیقت را می‌دانند و باعث عصبانیتشان شده است. در حقیقت از این که ملت ایران به این فناوری بسیار پیچیده و سطح بالا دست پیدا کرده است، ناراحتند؛ اما این ناراحتی از آن‌جا بیش تر شده است که فهمیده‌اند ملت ایران فناوری مذکور را خودش خلق کرده و آن را از کسی وام نگرفته است. اگر ما این پیشرفت در صنعت هسته‌ای را در داخل کشورمان به وسیله‌ی مهندسين و خبرگان فلان کشور بیگانه داشتیم، آن قدر عصبانی نمی‌شدند، اما می‌دانند جوان ایرانی و دانش پژوه و دانشمند ایرانی به یاری مغز و فکر خود توانسته است این راه دشوار را طی کند. آن‌ها از این ناراحتند. می‌دانند هم که این دیگر قابل مبارزه کردن نیست. چه کار می‌توانند بکنند؟

آن‌ها با یک دانش بومی مواجه‌اند. با دانش بومی در یک کشور، نمی‌توان مبارزه و مجادله کرد و آن را از بین برد؛ چون مال این ملت است؛ جوشیده از درون این ملت است. این را می‌دانند و از این جهت عصبانی‌اند. لذا تنها راهی که پیدا می‌کنند این است که جنجال بیافرینند و بگویند ایران درصدد ساختن بمب اتمی است. خودشان هم می‌دانند که این حرف دروغ است؛ خودشان هم می‌دانند که ما درصدد ساخت سلاح هسته‌ای نیستیم؛ در عین حال از فناوری هسته‌ای که مایه‌ی افتخار ملت ایران است و تولید اوست، ناراحتند و جنجال تبلیغاتی در دنیا به راه می‌اندازند.^۳

۱,۲,۴. زورگویی دائمی

دانشگاه‌های ما امروز کار علمی می‌کنند؛ جوانان ما پیشرفت‌های علمی می‌کنند؛ در بخش‌هایی پیشرفت‌های علمی ما دنیا را نگران کرده است؛ این به برکت انقلاب است. نمی‌خواهند ملت و کشور ایران از لحاظ علمی پیشرفت کند؛ این را صریحاً گفته‌اند. یک کشور تا پیشرفت علمی و پیشرفت اقتصادی نداشته باشد، همیشه قدرتمندان به او زور می‌گویند. کشور ژاپن که تحت سلطه و تحت اشغال بود، خود را جمع‌وجور کرد و از لحاظ علمی پیشرفت نمود. غربی‌ها که هیچ مایل نیستند به منطقه‌ی شرق نگاه بیفکنند و به غیر نژاد اروپایی توجهی نکنند، به خاطر پیشرفت علمی مجبورند آن را جدی بگیرند. در بعضی از مراکز سیاسی یا سیاسی - علمی آمریکا گفته‌اند ما نمی‌خواهیم یک

۱. بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور، ۱۳۸۴/۱۲/۰۸.

۲. بیانات در دیدار اعضای دفتر تحکیم وحدت، ۱۳۸۴/۰۱/۲۵.

۳. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای پیشوا و ورامین، ۱۳۸۲/۰۳/۲۲.

ژاین اسلامی به وجود آید! ژاین اسلامی یعنی شما. گفته‌اند نمی‌خواهیم بگذاریم ملت ایران از خود پیشرفت علمی نشان دهد. این‌ها حرکت ملت ایران را می‌بینند؛ این خودباوری را می‌بینند؛ این هم از برکات انقلاب و نظام اسلامی بود.^۱

۱,۳. روش‌های ایجاد چالش‌ها

۱,۳,۱. عکس‌العمل‌های تند

حرکت علمی ما گرچه یک حرکت اسلامی، دینی، عقلانی، اعتقادی و فرهنگی است، اما نباید انتظار داشت که سیاستمدارانی که امروز زمام و سررشته‌ی کار را در دنیا در دست دارند، سراسیمه نشوند و عکس‌العمل نشان ندهند؛ نه، ممکن است عکس‌العمل هم نشان دهند؛ کما این‌که امروز در مورد ایران - که مرکز و محور این حرکت است - و در مورد انقلاب دارند عکس‌العمل‌های تند نشان می‌دهند و رفتارشان حتی در میدان سیاسی بسیار خشن است.^۲

۱,۳,۲. محاصره‌ی هدفمند

قدرت‌های مسلط دنیا در آن روز می‌فهمیدند که نظام جمهوری اسلامی برای مقاصد قدرت‌طلبانه‌ی آن‌ها یک تهدید است؛ این را درک می‌کردند، لذا از اول با او مخالفت کردند؛ اما این تهدید به خاطر خود کشور ایران نبود، بلکه به خاطر این بود که جمهوری اسلامی حرف نو و حرف تازه‌ای است؛ در دنیای اسلام و در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل، حرف و ایده‌های نو جمهوری اسلامی، جزو ایده‌های جذاب است و خیلی از مبانی آن‌ها را متزلزل می‌کند.

آن‌ها این مسائل را می‌دانستند، لیکن به خودشان تسلی می‌دادند که جمهوری اسلامی قادر بر ماندن نیست؛ چون در دنیایی که علم و فناوری حرف اول را می‌زند و ثروت هم از راه علم و فناوری به دست می‌آید، وقتی کشوری از لحاظ علمی و فناوری توانایی نداشت و محاصره هم شد -نگذاشتند به آن برسند- به خودی خود خواهد خشکید؛ مرتب به خودشان وعده می‌دادند. هم محاصره‌ی اقتصادی کردند، هم محاصره‌ی علمی کردند، هم محاصره‌ی فناوری و تکنولوژیک کردند، هم جنگ را تحمیل کردند، هم از طرف مقابل ما در جنگ، هرچه توانستند حمایت کردند و کمکش کردند که بلکه بتوانند این مشکلات را آوار کنند روی سر جمهوری اسلامی و آن را از بین ببرند؛ اما حالا می‌بینند که بعد از بیست و پنج سال، جمهوری اسلامی از زیر آوارها قد کشیده و بیرون آمده؛ روی پای خودش ایستاده و به خود متکی و امیدوار است و به آینده خوش بین و در زمینه‌ی علمی و فناوری هم پیشرفت کرده است. این‌ها واقعیاتی است؛ این واقعیات را آن‌ها می‌فهمند و می‌دانند که در بعضی از زمینه‌های بسیار مهم و حساس، رتبه‌های اول را در دنیا به دست آورده است.^۳

۱,۳,۳. ایجاد جنجال در دنیا

ملاحظه کردید که درباره‌ی نیروگاه اتمی و تشکیل کوره‌ی اتمی، چه جنجالی در دنیا به وجود آوردند و گفتند که ایران می‌خواهد بمب اتم درست کند! می‌دانند که این طور نیست. آن‌ها می‌خواهند صنعت اتمی، وارد کشور نشود؛ می‌خواهند روش‌های نوین و فناوری جدید، به این ملت نرسد؛ زیرا اگر این ملت، با این استعدادی که دارد، دستش به دانش و فناوری جدید رسید، دیگر به هیچ وجه نمی‌تواند با او مقابله کنند. این، جزو همان روش‌هاست. استکبار می‌خواهد در داخل کشور، تنبلی و بیکارگی باشد، سازندگی و ابتکار و اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم نباشد. استکبار می‌خواهد پیشرفت علم و دانش در کشور نباشد، تحقیقات نباشد، کلاس درس نباشد.^۴

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴.

۲. بیانات در دیدار میهمانان مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴/۰۳/۲۱.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۳/۰۸/۱۵.

۴. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹.

۱,۳,۴. یأس پراکنی در مسائل علمی

سه مانع اصلی در راه فرایند اعتماد به نفس و به ثمر رسیدنش وجود دارد که ما باید متوجه این سه رخنه باشیم. این سه رخنه می‌توانند فرایند اعتماد به نفس ملی و منتهی شدن آن به پیروزی‌های پی‌درپی و رسیدن به آرمان‌ها را مخدوش کنند.

اول، ایجاد یأس است؛ تیره کردن افق، به رخ کشیدن فاصله‌های علمی. این واقعیتی است؛ ما از لحاظ علمی، امروز با دنیای پیشرفته‌ی علمی که دویست سال است دارد کار علمی می‌کند، فاصله داریم. این فاصله‌ها را به رخ می‌کشند و می‌گویند آقا! چطور می‌خواهید شما این‌ها را طی کنید؟ مگر می‌شود؟! جوان محقق و پژوهشگر و دانشمند ما را با این کار مایوس می‌کنند. من می‌گویم: بله، می‌شود؛ چرا نمی‌شود؟ ما از دانش دیگران استفاده می‌کنیم و پا را یک قدم بالاتر می‌گذاریم؛ کم‌این که این کار را کرده‌ایم. ما از دانش دیگران استفاده کرده‌ایم. گاهی چیزهایی ساخته‌ایم که در دنیا نیست؛ مثل بعضی از پیشرفت‌های پزشکی و دارویی و امثال این‌ها. این‌ها با استفاده از مقدمات دانش غربی به دست آمده، اما کارهای بزرگ‌تری از آن‌ها انجام گرفته. فاصله نباید ما را مایوس کند. ما می‌توانیم شتاب علمی‌مان را زیاد کنیم؛ این فاصله را روز به روز کم‌تر کنیم؛ همت کنیم، پیش برویم؛ به خصوص که امروز دنیای غرب دچار آفت‌های جدی است که در پنجاه سال پیش و صد سال پیش این آفت‌ها را نداشت. ... این یکی از آن رخنه‌هاست که اعتماد به نفس ملی را ضربه می‌زند؛ همچنان که در چند سال قبل متأسفانه این کار شد. یعنی همین مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را که باید پشتوانه‌ی مستحکم اعتماد به نفس ما ملت ایران می‌شد، خواستند وسیله‌ای بکنند برای این که اعتماد به نفس را از ما بگیرند.^۱

۱,۳,۵. استخدام مزدوران سرویس‌های امنیتی

من برنامه‌های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می‌کنم: اول، جنگ روانی؛ دوم، جنگ اقتصادی؛ و سوم، مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی. دشمنی‌های استکبار با ملت ما در این سه قلم عمده خلاصه می‌شود.^۲

من اول امسال عرض کردم که دشمن، سه هدف عقب‌ماندگی علمی، عقب‌ماندگی اقتصادی و شکستن یکپارچگی ملی را به جد تعقیب می‌کند؛ دلار خرج می‌کند، مزدور می‌گیرد و ورزیده‌ترین کارشناس‌های سرویس‌های امنیتی را به کار می‌اندازد، تا این سه کار در کشور انجام بگیرد؛ یعنی از لحاظ اقتصادی عقب بمانیم و شکست بخوریم؛ از لحاظ علمی، پیشرفتی را که شروع شده است، متوقف کنیم؛ از لحاظ یکپارچگی ملی هم این وحدتی را که وجود دارد، بشکنیم و به جان هم بیفتیم. دشمن دارد این سه هدف را دنبال می‌کند.

در دو بخش از این سه هدف، یکی از آماج‌های مهم، معلّمانند؛ هم در بخش پیشرفت علمی، هم در بخش وحدت اجتماعی. البته امروز اوج فعالیت‌های دشمن است؛ اما از بیست سال، بیست و پنج سال قبل هم این توطئه‌ها وجود داشته است که بنده از نزدیک شاهدش بوده‌ام. در مقابل این موج توطئه و فشار توطئه، جامعه‌ی معلّمین مثل کوه ایستاده‌اند.^۳

۲. چالش‌های داخلی

۲,۱. عملکرد حکومت‌های پادشاهی

البته علم، پیش رفته است. یک عده می‌نشینند به پیشرفت‌های علمی آمریکا و بقیه‌ی جاها نگاه می‌کنند و حسرت می‌خورند. پیشرفت علمی، مسلماً ستایش دارد. عقب‌ماندگی علمی کشورهای عقب‌افتاده، مسلماً یک نکبت است و خدا کسانی را که این نکبت‌ها را بر سر

۱. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱.

۳. بیانات در دیدار معلّمان، ۱۳۸۶/۰۲/۱۲.

ملت‌های مسلمان آوردند، مورد عذاب متزاید^۱ خودش قرار دهد و لعنت خدا بر دودمان مشؤم^۲ و ننگین پهلوی و قاجار که این بدبختی را این‌ها بر سر ملت ما در طول دویست سال گذشته آوردند. و الا ما از لحاظ علمی، از آمریکا بسیار جلوتر بودیم؛ ما از لحاظ علمی، در روزگاری از اروپا بسیار جلوتر بودیم. همین سلاطین، همین حکومت‌های جائر، همین فرعون‌ها و طاغوت‌ها؛ همین‌هایی که حالا پس‌مانده‌ها و تفاله‌هایشان در این‌جا و آن‌جا مجله و روزنامه منتشر می‌کنند و دم از همه چیز می‌زنند، نگذاشتند این ملت پا به پای ملل عالم، بلکه جلوتر از آن‌ها، پیش برود. بلکه عقب‌ماندگی علمی تأسف دارد. راهش هم این است که جوانان، بزرگ‌ها، پیرها، دانشمندان و مسئولان، همه و همه بکوشند و این خلأ را پر کنند.^۳

۲,۲. مصرف‌گرایی علمی

در کشورهایی که از کاروان پیشرفت‌های علمی و صنعتی عقب مانده‌اند، دو طرز تفکر وجود دارد: یک طرز تفکر، غلط و مایه‌ی بدبختی ملت است؛ یک طرز تفکر، درست است. آن طرز تفکر غلط، همان تفکری است که در دوران حاکمیت عوامل آمریکا بر این کشور حاکم بود؛ و آن این که علم و صنعت و تکنولوژی و امور فنی، باید به وسیله‌ی خارجی‌ها، اروپایی‌ها و غربی‌ها آماده بشود و به صورت محصول در اختیار ما قرار بگیرد؛ ما باید پول و نفت بدهیم و از محصول کار آن‌ها استفاده کنیم؛ این یک طرز تفکر بود. متأسفانه الان هم این طرز تفکر در بعضی از کشورهای استعمارزده وجود دارد؛ می‌گویند ما پول می‌دهیم، غربی‌ها برای ما می‌سازند، به این‌جا می‌آورند و نصب می‌کنند! گاهی احمقانه تصور می‌کنند که این نوع اربابی نسبت به غربی‌هاست؛ که ما پولدار هستیم، آن‌ها می‌آیند برای ما می‌سازند! لذا اگر شما به نقشه‌ی صنعتی کشور نگاه کنید، خواهید دید که غربی‌ها و آمریکایی‌ها و بعضی از اروپایی‌ها این نقشه را به نحوی ترتیب داده بودند که اگر از این مملکت رفتند و دروازه‌های این مملکت به روی آن‌ها بسته شد، ایرانی‌ها خودشان از پیشبرد و اداره‌ی صنعت عاجز بمانند؛ یعنی عمداً حلقه‌های مفقوده‌ای در سلسله‌ی صنعت این کشور به وجود آورده بودند، با قصد این که این ملت هیچ‌وقت نتواند روی پای خودش بایستد و کمر راست کند؛ می‌خواستند همیشه محتاج آن‌ها باقی بماند.

این طرز تفکر، در دانشگاه‌ها هم اثر می‌کند؛ علوم دانشگاهی هم بر اساس همین روش شکل می‌گیرد؛ مهندس ما هم مبتکر و سازنده و خلاق نمی‌شود. این کاری بود که آن‌ها آن روز کردند، و مدت‌ها نتایج سوء تدبیر آن‌ها گریبان‌گیر کشور ما هم بوده، و شاید در آینده هم تا زمان‌هایی باشد.^۴

۲,۳. شبهه‌افکنی و یأس‌آفرینی

تا مدتی بعضی‌ها می‌گفتند ما نمی‌دانیم اصلاً معنای این حرف [تولید علم] چیست! عده‌ای هم شبهه می‌کردند که علم مگر تولید کردنی است! البته بحث لغوی می‌کردند و می‌گفتند چرا گفته‌اید تولید علم! شما هرچه می‌خواهید اسمش را بگذارید؛ مقصود که معلوم است. جنبش نرم‌افزاری؛ یعنی در معرفت علمی، ننشینید دست خود را دراز کنید تا دیگران بکارند و میوه‌چینی کنند و هر مقدار از میوه را که لازم داشتند، بیاورند در دست شما بگذارند. برو بکار، برو آبیاری کن، برو روی بنایی که دیگران ساخته‌اند، بنا بساز؛ این هدف ما بود. عده‌ای می‌گفتند ما نمی‌فهمیم! الان هم از گوشه و کنار شنیده‌ام که عده‌ای سخنان یأس‌آفرین می‌زنند؛ مگر ما می‌توانیم؟ بلکه، می‌توانیم. ما در میدان‌های گوناگون و در فضای معرفت علمی امروز دنیا می‌توانیم کارهایی بکنیم که هنوز در دنیا نو باشد؛ این در همه‌ی زمینه‌ها کاملاً امکان‌پذیر

۱. افزون‌شونده.

۲. نامبارک؛ بدیمن؛ بدشگون.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و قشرهای مختلف مردم در روز ولادت پیامبر اکرم - و امام صادق (ع)، ۱۴/۰۶/۱۳۷۲.

۴. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و اقشار مختلف مردم، ۱۳/۰۹/۱۳۷۰.

است.^۱

۲,۴. همراهی نکردن برخی از اهل علم

کسانی که قلم به دست دارند و وظیفه‌ی فرهنگی دارند، باید روزبه‌روز علم و تحصیل را ترویج کنند. ما شعار نهضت نوآوری علمی و جنبش نرم‌افزاری را مطرح کرده‌ایم؛ انتظار این بوده است که اهل علم، اهل دین، اهل قلم، اهل دانشگاه و اهل حوزه در این جهت حرکت کنند، و بسیاری حرکت کرده‌اند؛ اما می‌بینیم بعضی با این نیاز حقیقی - که حرکت علمی، نیاز حقیقی این کشور است - همراهی نکردند. این‌ها نشانه‌های خوبی از مجموعه‌هایی که این‌طورند، ارائه نمی‌دهد.^۲

۲,۵. فریفته غرب شدن و خودکم‌بینی

ما همین پیشرفت‌های علمی در زمینه‌ی هسته‌ای و غیر این‌ها را در حال و هوای تحریم اقتصادی به دست آوردیم. این را غربی‌ها هم می‌دانند؛ می‌فهمند. البته در داخل، متأسفانه عده‌ای هستند که به قدری مجذوب و فریفته‌ی حرف غرب و تفکر غرب و مبانی غربند که حاضر نیستند بشنوند و قبول کنند؛ حتی آنچه را هم که پیشرفت علمی در کشور به وجود آورده است، تا دیگران تصدیق نکنند، این‌ها قبول نمی‌کنند!

من به یاد دارم، شاید حدود دو سال، دو سال و نیم قبل، آن وقتی که این سانتریفیوژهای ما مشغول کار شده بود و جوانان و دانشمندان ما توانسته بودند این‌ها را راه بیندازند و مسئولان وقت - رئیس‌جمهور و دیگران - خبرش را گفتند، تعدادی از فیزیکدان‌های دانشگاهی که مردمان خوب و بسیار سالم و صادقی هم هستند، بعضی‌شان هم من را می‌شناسند، به من نامه نوشتند که آقا! مبدا این‌ها را باور کنید! چنین چیزی اتفاق نیفتاده و ممکن نیست! حاضر نبودند باور کنند؛ قبول کنند. این، همان تلقین است. تا غربی‌ها، آژانس و دیگران، خودشان آمدند نگاه کردند، تصدیق کردند، اعتراف کردند که چنین چیزی را باور نمی‌کردند در ایران به وجود بیاید، آن وقت دیگران؛ دیرباورها، در داخل کشور باور کردند.

عین همین قضیه در مورد سلول‌های بنیادی به وجود آمد. بنده چند بار پیشرفت‌های سلول‌های بنیادی را در چند سخنرانی بر زبان آورده بودم. از دانشمندان کشور و از بعضی از دانشگاه‌ها به من نامه نوشتند: آقا! این قضیه را شما این قدر نگوئید، این واقعیت ندارد؛ این جور نیست! اینی که می‌گویید در سلول‌های بنیادی پیشرفت کرده‌اند و در شبیه‌سازی (کلونینگ) دارند تمرین و کار می‌کنند، باور نکنید؛ چنین چیزی اتفاق نیفتاده و نخواهد افتاد! بعد که گوسفند شبیه‌سازی شده را جلو چشم همه قرار دادند، بعد که در سمیناری که تشکیل دادند، دانشمندان معروف دنیا، زیست‌شناس‌های درجه‌ی یک دنیا آمدند مصاحبه کردند و تصدیق کردند که پیشرفت‌ها، پیشرفت‌های محیرالعقولی است، آن وقت یک عده از دیرباورها باور کردند! این هم آفتی است که ما استعداد خودمان، پیشرفت خودمان، توانایی‌های خودمان را باور نکنیم؛ وقتی هم اتفاق می‌افتد، باور نکنیم.^۳

۲,۶. اکتفا کردن مجریان تولید علم به شعار

بنده به خصوص روی علم و تحقیق حساسیت هم داشتم. [رئیس‌جمهور] نصیحت می‌کنند که ما باید به طرف علم و تحقیق برویم. البته نمی‌گویم نصیحت نکنید؛ نه، نصیحت کنید؛ اما از مجموعه‌ی اجرایی، بیش از نصیحت توقع وجود دارد. نصیحت خشک و خالی، کار من طلبه است؛ کاری که دستگاه دولتی باید بکند، اجراست. آقای وزیر علوم پیش من می‌آید و از این که بودجه‌ی وزارتخانه‌اش کم است، شکوه

۱. بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.

۳. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵.

می‌کند. خیلی خوب؛ این علم و تحقیق، مورد توصیه‌ی آقای رئیس‌جمهور، مورد تأکید صاحب‌نظران و مورد شکوه‌ی وزیر علوم است و بنده هم که چند سال است -چه در زمان رئیس‌جمهور قبلی، چه در زمان رئیس‌جمهور فعلی- به هر دو بزرگوار پیشنهاد مشخص داده‌ام؛ یعنی گفته‌ام چه کار کنید؛ گفته‌ام این کار را باید بکنید تا علم پیشرفت کند. فرمولی برای کیفیت وصل دانشگاه به صنعت و کشاورزی باید پیدا شود. این کانال هم جز از طریق ریاست جمهوری قابل اجرا نیست؛ یعنی وزیر نمی‌تواند این کار را بکند؛ باید از دفتر ریاست جمهوری باشد که سطحش بالااست؛ باید امکانات و بودجه داشته باشد و بداند مستظهر به شخصیتی مثل رئیس‌جمهور است.

من در دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه صنعتی شریف، در جلسات مختلف دانشجویی و در دیدار با اساتید و هم‌همی کسانی که در این زمینه علاقه دارند، راجع به نهضت علمی در کشور -نهضت تولید علم و نهضت نرم‌افزاری- مفصل صحبت کرده‌ام؛ الان هم بحمدالله یک مقدار در ذهن‌ها افتاده و فرهنگ‌سازی شده؛ منتها این حرف است و «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». البته در جاهایی چرا، به قدر نیم کردار یا یک کردار هست؛ اما بالاخره کردار نیست... اتفاقاً یکی از محسنات بزرگ کار این است که نگاه شما هم درست به همان جایی دوخته شده که نگاه بنده به آن جا دوخته شده است. منتها باید اجرا شود. این یکی از چیزهایی است که صورت نگرفته است.^۱

۲,۷. بی‌حوصلگی علمی و تنبلی ذهنی

الان متأسفانه در طبقه‌ی متعارف محصل ما، از دبیرستان تا دانشگاه، یک حالت سهل‌گرایی، سهل‌اندیشی و سهل‌انگاری در مسائل علمی و بی‌حوصلگی و بی‌اهتمامی به معلومات وجود دارد، که در دانشگاه‌های ما هم هست؛ با این که استعدادها بالااست. افرادی که در این مسئله واردند و مطالعه و تحقیق کرده‌اند، نتیجه‌ی تحقیقاتشان این است که جوان ایرانی در دانشگاه به اصطلاح پروژه‌ی تحقیقاتی را می‌گیرد و استعداد هم نشان می‌دهد؛ اما آن پیگیری و استمرار و آن دلسوزی و اهتمام لازم را ندارد. در واقع، یک حالت بی‌اعتنایی و بی‌حالی و تنبلی ذهنی بر نسل‌های نوبه‌نو و روبه‌رشدمان حاکم است، که این برای کشور بسیار خطرناک است. این، از کودکی باید در آموزش و پرورش تأمین شود. آموزش و پرورش باید خوب یاد بدهد.

الان اگر ملاحظه بفرمایید، غالباً در دبیرستان و دانشگاه از کثرت درس گله می‌کنند؛ در حالی که من کسب اطلاع کرده‌ام که در کشورهای پیشرفته‌ی دانشگاهی دنیا -آن جاهایی که دانشگاه‌ها و حتی دبیرستان‌هایش پیشرفته هستند- حجم درس‌هایشان از ایران بیش‌تر است؛ یعنی کتاب بیش‌تری را باید بخوانند و مطالب بیش‌تری را باید در طول این مدت یاد بگیرند. ما در واقع یک حالت و دوران به اصطلاح تن‌پروری ذهنی را در خودمان می‌گذرانیم و این بسیار خطرناک است.^۲

۲,۸. کمبود بودجه پژوهش

نکته‌ی [دیگر] مسئله‌ی سهم بودجه‌ی پژوهش است. سهم بودجه‌ی پژوهش مهم است؛ چند سال است که بنده در همین جلسه و در جلسات دیگر و در دیدارهای خصوصی با مسئولین اجرایی کشور، روی این مسئله تکیه کرده‌ام، متأسفانه اطلاعاتی که به من می‌دهند و گزارشی که به من می‌دهند، نشان می‌دهد که نه، این حرف‌های ما مثل نصیحت است؛ نصیحتی که مثلاً یک نفر منبر می‌رود و یک نصیحتی می‌کند؛ با این چشم نگاه شده؛ این جور نیست؛ باید سعی بشود. حالا در چشم‌انداز، چهار درصد از بودجه‌ی عمومی را برای پژوهش در نظر گرفتند؛ ما حالا آن قدر هم‌تمان برای این در کوتاه‌مدت، بلند نیست؛ اما همان یک و نیم درصد یا دو درصدی که ممکن است و صحبت است، باید انجام بگیرد؛ هنوز بودجه‌هایی که وجود دارد برای پژوهش، بحث چند صدم درصد است؛ یکی این مسئله است؛ یکی هم

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۰۹/۲۶.

۲. بیانات در دیدار وزیر و معاونان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۶/۱۰/۰۲.

صرف درست و برنامه‌ریزی شده‌ی منابع مالی پژوهش؛ باید درست صرف بشود و درست در جای خود قرار بگیرد.^۱

۲,۹. کند شدن شتاب علمی

رسیدن ما به رتبه‌ی بالای علمی، ناشی از شتاب فوق‌العاده‌ی کار بود. طبق آمارهای جهانی، شتاب پیشرفت علمی در کشور، سیزده برابر متوسط جهان بود؛ این را مراکز آمار علمی دنیا اعلام کردند که ما هم مکرراً قبلاً اعلام کردیم. این شتاب، امروز کم شده. اینکه بعضی می‌گویند از لحاظ پیشرفت علمی عقب ماندیم، بعضی می‌گویند نه، عقب نماندیم و هر دو هم آمار ارائه می‌کنند، نکته‌اش اینجا است: بله، علی‌الظاهر از رتبه‌ی شانزدهم یا پانزدهم تنزل نکردیم - این درست است - اما بایستی ترقی می‌کردیم؛ یعنی آن شتاب بایستی ادامه پیدا می‌کرد؛ این شتاب امروز کم شده. برادران و مسئولان عزیز وزارتخانه‌ها به این [نکته] توجه کنند؛ آن شتاب، امروز نیست. کاری کنید که شتاب رشد علمی فروکش نکند؛ باز به تعبیر نظامی‌های جنگ سخت، این حرکت از دور نیفتند. البته می‌دانیم که هرچه جلوتر برویم، طبعاً این شتاب کمتر خواهد شد؛ یعنی وقتی خیلی عقبیم، ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی بیشتری وجود دارد که هرچه جلوتر بیایم، این ظرفیت‌ها طبعاً کمتر می‌شود، چون استفاده می‌شود - این را می‌دانیم - اما آن شتاب لازم و متناسب، در پیشرفت علمی نباید کم بشود.^۲

۲,۱۰. تضعیف مدارس استعداد‌های درخشان

[مسئله دیگر] در همین رابطه، مدارس استعداد‌های درخشان است که خیلی مهم است؛ نخبه‌پروری خیلی مهم است؛ مدارس استعداد‌های درخشان نبایست تضعیف بشود؛ هرچه می‌توانید این‌ها را تقویت کنید و جایگاه کشور در المپیادهای جهانی بایستی حفظ بشود. البته من شنیده‌ام در چند رشته تنزل پیدا کرده‌ایم؛ در ریاضی، در فیزیک، در رایانه، در شیمی، رتبه‌های ما پایین آمده. باید این‌ها جبران بشود. یکی از افتخارات کشور، همین بچه‌های المپیادی هستند که می‌روند رتبه‌های بالا را در دنیا کسب می‌کنند و می‌آیند؛ نگذارید رتبه‌ی این‌ها تنزل پیدا کند.^۳

ه. راهکارهای تولید علم

۱. نظری

۱,۱. ایجاد روحیه‌ی جهادی

فرهنگ جهادی در همه‌ی صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید... در دفاع هشت‌ساله، بسیج و تحرک مردم را دیدید. در میدان کار و سازندگی و پیشرفت، روحیه‌ی جهادی را دیدید، که البته مخصوص جهاد سازندگی هم نماند؛ این روحیه در بسیاری از دستگاه‌ها رسوخ کرد... این روحیه‌ی حرکت عمومی، این دلسوزی، این ورود در صحنه‌ی کار و ابتکار، این کمک‌رسانی انبوه، مخصوص ملت‌ی است که دل او از حرکت جهادی گرم است و جوشش جهادی در دل او وجود دارد. این همان روحیه‌ی بسیج دوران دفاع مقدس است؛ این همان روحیه‌ی سنگرزبان بی‌سنگر جهاد سازندگی است که غسل شهادت می‌کردند، روی بولدوزر می‌نشستند تا خاکریز بزنند. ما این روحیه را باید حفظ کنیم. این روحیه با کار علمی و نظم تشکیلاتی هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه اتفاقاً کار علمی را هم همین روحیه‌ی جهادی بهتر می‌کند. ما پیشرفت‌های علمی و پژوهشی بسیار زیادی در بخش‌های مختلف داشته‌ایم که ستون اصلی این بخش‌ها را همین جوانان انقلابی و بچه‌های مؤمن تشکیل داده‌اند. آن‌ها بودند که وارد میدان شدند و بر اساس همان روحیه، بسیاری از گردنه‌ها و عقبه‌های تحقیقات و کار

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها در هفدهمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ در حسینیه‌ی امام خمینی (ع)، ۱۳/۰۴/۱۳۹۴.

۲. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها در هفدهمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ در حسینیه‌ی امام خمینی (ع)، ۱۳/۰۴/۱۳۹۴.

۳. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت روز معلم، ۱۱/۰۲/۱۳۹۸.

مهم علمی را پیش بردند. بله؛ معنویت، دنیای انسان را هم آبادتر می‌کند؛ منتها دنیای سالم.^۱

۱،۲. امیدآفرینی

اینکه من عرض می‌کنم پیشرفت علمی، ادعای ما نیست؛ البته این را ما بارها در این جلسه، در سال‌های مختلف عرض کرده‌ایم^۲ این اظهارات مراکز علم‌سنجی دنیا است که یک‌وقتی گفتند که سرعت حرکت پیشرفت ایران در علم، سیزده برابر متوسط دنیا است. این چیز خیلی مهمی است؛ شتاب پیشرفت علمی، سیزده برابر متوسط عالم است. رتبه‌های علمی بالا را انسان ملاحظه می‌کند در یک بخش‌هایی که در رتبه‌های تک عددی - [مثلاً] در رتبه‌ی چهارم، پنجم، ششم - در بعضی‌ها هم در مجموع، در رتبه‌ی شانزدهم، پانزدهم در دنیا؛ این خیلی مهم است؛ این را نمی‌بینند، این موفقیت‌ها را مشاهده نمی‌کنند. لذاست که یکی از عرایض ما این است: جوری برنامه‌ریزی بشود که موفقیت‌های عظیم علمی دانشگاه‌ها در معرض دید قرار بگیرد، همه ببینند؛ این گشت‌وگذار علمی برای استاد و برای دانشجو یک برنامه‌ای باشد که اصلاً در بخش‌های مختلف، گشت‌وگذار علمی کنند؛ پیشرفت‌های علمی را برون‌د ببینند، مشاهده کنند. فرض کنید مثل نمایشگاه کالاهای فلان صنعت که می‌گذارند، همه می‌روند می‌بینند آشنا می‌شوند، پیشرفت‌های علمی را معرفی کنند تا همه ببینند، و مشخص کنند که از کی این اتفاق افتاده؛ در چه سال‌هایی، در چه مدتی این پیشرفت‌ها اتفاق افتاده است تا امید به وجود بیاید. بنده روی مسئله‌ی امید تکیه می‌کنم. خواهش من این است که برادران عزیز، خواهران عزیز، اساتید معظم و مکرم، این را در کلاس‌های درس، در مواجهه‌ی با دانشجویان حتماً در نظر داشته باشید و کاری کنید تا این جوان امیدوار بشود. دشمن می‌خواهد یأس ایجاد کند؛ یک جریانی هم متأسفانه در داخل کمک می‌کند به دشمن - این هست دیگر، وجود دارد - شما در مقابل این جریان خائن و خبیث بایستید و ایجاد امید کنید.^۳

امید؛ شرط اساسی پیشرفت علمی

یک شرط اساسی برای پیشرفت عبارت است از امید. امروز یک جریانی در داخل کشور و خارج کشور وجود دارد برای دمیدن روح یأس به جای دمیدن روح امید - که در اول صحبت اشاره کردم که در خارج می‌نشینند، راجع به مسائل ایران بحث می‌کنند، و استنتاجشان با تحلیل‌های مغرضانه و خبرهای بعضاً دروغ - یعنی خبرهای خلاف واقع - این است که در ایران حرکت علمی پیشرفتی ندارد و امیدی هم به پیشرفت آن نیست - یأس‌آفرینی. خب موفقیت‌ها را طبعاً نادیده می‌گیرند و این روی دانشجو اثر می‌گذارد؛ این جریان یأس‌آفرین در ذهن دانشجو اثر می‌گذارد؛ وقتی او مأیوس شد، کار نمی‌کند. اگر چنانچه نخبه‌ای باشد - حالا تعداد اندکی این‌جور هستند - و توانایی داشته باشد، امکانات داشته باشد، می‌گذارد می‌رود خارج، به عقبش هم نگاه نمی‌کند. ولیکن اکثر، این امکانات را ندارند؛ [لذا] مأیوس می‌شوند و دنبال یک مدرک دارای ارزش رسمی ولو بدون محتوای علمی می‌افتند برای اینکه یک شغلی پیدا کنند و یک کاری پیدا کنند؛ پیشرفت علمی پیش نمی‌آید. یأس این [جور] است؛ روی دانشجو اثر می‌گذارد، روی استادها کمتر اثر می‌گذارد اما بعضاً دیده شده که روی استاد هم اثر بگذارد؛ یعنی این تبلیغات، استاد را که در واقع در وسط میدان دانشگاه ایستاده و میان‌دار مسائل دانشگاه است، از پیشرفت علمی دانشگاه مأیوس می‌کند؛ یأس‌آفرینی خطر بسیار بزرگی است. این را دیگرانی که [بیان] می‌کنند - خارجی‌ها - با حساب و کتاب می‌کنند؛ ببینید، مقاله نوشته‌اند و در مقاله تصریح کرده‌اند که پیشرفت علمی ایران مایه‌ی نگرانی است؛ این را صریحاً نوشتند: «پیشرفت علمی ایران مایه‌ی نگرانی است.» مایه‌ی نگرانی چیست؟ معلوم است؛ قدرت‌های استعمارگر، قدرت‌های متجاوز و سلطه‌گر که حیاتشان به سلطه‌ی بر ضعفاست، نمی‌توانند ببینند که یک کشوری در یک موقعیت حساسی مثل موقعیت کشور ما، خودش را از ضعف نجات بدهد و به قوت و قدرت

۱. بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان، ۱۴/۱۰/۱۳۸۲.

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و استعداد‌های برتر علمی کشور و رؤسای شرکت‌های دانش‌بنیان، ۲۸/۰۷/۱۳۹۵.

۳. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۰۸/۰۳/۱۳۹۸.

برسد؛ مایه‌ی نگرانی آنها است. این‌ها خیلی راحت موقفیت‌ها و پیشرفت‌ها را ندیده می‌گیرند و بعضی [افراد] هم واقعاً فراموش می‌کنند. من از آن کسانی که یا آن استادی که به ما خبر می‌رسد، گزارش می‌رسد که مثلاً سر کلاس یا در برخورد با مجموعه‌ی دانشجویی یأس آور حرف می‌زند، واقعاً تعجب می‌کنم که چطور این‌ها موقفیت‌های کشور را ندیده می‌گیرند! این پیشرفت عظیم علمی، این حرکت علمی‌ای که بخصوص در دو دهه‌ی اخیر - در حدود هفده هجده سال اخیر، از اوایل دهه‌ی ۸۰- در کشور به وجود آمده و سهم ایران را در تولید علم در دنیا چقدر بالا برده، و توانایی‌های عملی را جلوی چشم همه قرار داده، می‌بینند، درعین حال آن دمدمه‌ی و وسوسه‌ی یأس‌آفرین در آنها اثر می‌گذارد! [این] مایه‌ی تعجب است.^۲

۱,۳. بسط خودباوری و اعتمادبه‌نفس ملی

امروز بحمدالله این جرئت، این گستاخی، این دلیری و این اعتمادبه‌نفس - که می‌توانیم، می‌کنیم، پیش می‌رویم؛ چه در زمینه‌های علمی، چه در زمینه‌های فناوری و چه در زمینه‌های سیاسی - در نسل جوان ما به وجود آمده است. چالش‌های مزورانه‌ی قدرت‌ها اثری روی روحیه‌ی مردم و جوان‌های ما نمی‌گذارد؛ این فرصت خیلی بزرگی است؛ این را به همین شکل پیش ببرید و مرعوب نشوید. نه در زمینه‌ی علمی مرعوب شوید، نه در زمینه‌ی فناوری مرعوب شوید، نه در زمینه‌ی سیاسی مرعوب شوید، نه در زمینه‌ی نوآوری مرعوب شوید.^۳ از مبانی اصول‌گرایی، تقویت خودباوری و اعتمادبه‌نفس ملی است. این اعتمادبه‌نفس، در همه جاست. ما اکنون در زمینه‌ی مثلاً علوم تجربی، نمونه‌هایی‌اش را دیده‌ایم که حالا یکی‌اش فناوری هسته‌ای است، یکی‌اش تولید سلول‌های بنیادی است، یکی‌اش کارهای خوبی است که در بخش‌های گوناگون انجام داده‌اند و من حالا نمی‌خواهم پیش از موعد آن‌ها را تصریح و بیان کنم، که به نفع پیشرفت دانش بشری هم هست. البته این‌ها فقط یک بخشی از کار است. استقلال اعتمادبه‌نفس ملی و خودباوری، فقط به این چیزها منحصر نمی‌شود که ما می‌توانیم سد درست کنیم، می‌توانیم نیروگاه درست کنیم و می‌توانیم بدون کمک خارجی کارهای بزرگ و پروژه‌های عظیم را راه‌اندازی کنیم؛ بلکه باید در سیاست، فلسفه، ابتکارهای مردمی و ارزش‌های اخلاقی هم خودباوری داشته باشیم.^۴

۱,۴. شکستن محاصره علمی با شعار «ما می‌توانیم»

ما باید از محاصره‌ی موجود که کشورهای جهان سوم در آن قرار گرفته‌اند، خودمان را خارج کنیم. این فقط وظیفه‌ی ما نیست، بلکه وظیفه‌ی همه‌ی ملت‌های دنیاست که در دوره‌ای از کاروان علم عقب ماندند. من اعتقاد راسخم - که این اعتقاد با نظر خبرگان و کارشناسان فن تأیید شده است - این است که ما می‌توانیم این کار را بکنیم. این مَهر «نمی‌توانیم» و «نمی‌توانید» را که یکی از بخش‌های عمده‌ی سیاست فرهنگی دشمنان بوده، بایستی از ذهن خودمان پاک کنیم. البته من احساس می‌کنم که در همین زمینه هم می‌توانیم پیشرفت کنیم؛ چرا که الان می‌بینم شما استادان و دانشجویان در محافل دانشجویی، از نهضت نرم‌افزاری و تولید علم به‌عنوان شعارهای عملی و فعال یاد می‌کنید. این، خیلی موقفیت است که ما به این فکر افتاده‌ایم و این موضوع به‌صورت شعار، درخواست و خواسته درآمده است.^۵

۱,۵. شهادت نوآوری و آزادنگری

ما نیاز به این داریم که سطح علمی خودمان را ببینیم و بیش‌تر و اساسی‌تر و مهم‌تر از آن، نیاز داریم که در زمینه‌ی علمی تصمیم بگیریم. باید تصمیم بگیریم که یک حرکت علمی انجام دهیم. البته حرکت علمی شده است. نباید پنهان کرد و پوشیده داشت و حق کسانی

۱. حیل، فریب.

۲. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۸/۰۳/۰۸.

۳. بیانات در دیدار دانش‌آموزان نخبه‌ی قرآنی و المپیادی، ۱۳۸۳/۰۴/۳۰.

۴. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹.

۵. بیانات در دیدار جمعی از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸.

را که در این حرکت در کشور - که نسبت به گذشته حقیقتاً یک رستاخیز علمی بوده - سهیم بوده‌اند، نادیده انگاشت؛ لیکن آنچه که باید در زمینه‌ی پیشرفت علم و استقلال در بینش علمی و پیگیری علمی کار کنیم، تا به حال کم کار کرده‌ایم. بایستی باز هم دنبال کنیم و شجاعت علمی داشته باشیم؛ یعنی شجاعت نوآوری در علم، شجاعت آزادنگری به مسائل علمی دیگرانی که امروز در دنیا در صفوف مقدم دانش جهانی حرکت می‌کنند، و برگرداندن روحیه‌ی جرئت و شهامت علمی و شهامت اندیشیدن و شهامت تولید علم؛ که روزی کشور و ملت و گذشته و تاریخ ما به دنیا نشان دادند که این صلاحیت و قابلیت را دارند.

بلاشک ما ملتی هستیم که می‌توانیم در میدان علم از اغلب کسانی که امروز جلو حرکت می‌کنند، جلوتر برویم. گذشته‌ی ما این استعداد را نشان می‌دهد؛ امروز هم زمینه فراهم است. اوضاع سیاسی کشور - بر خلاف آنچه که بعضی می‌خواهند برعکس وانمود کنند - اوضاعی است که به پیشرفت علمی، به گسترش علم و فرهنگ در کشور، و همان شجاعت و استقلال طلبی‌ای که عرض کردم، کمک می‌کند. بنابراین، ما از این که بتوانیم گوی سبقت را در باب علم به دست آوریم، به هیچ وجه نایستی ناامید باشیم؛ باید شجاعانه این را دنبال کنیم و این را بخواهیم و این یک حرکت عمومی لازم دارد؛ که من در بیانات بسیاری از شما دوستان این معنا را مشاهده می‌کنم. امیدوارم مسئولان کشور با حسن نیتی که دارند، به طور جدی در این جهت فکر کنند. بنده هم بلاشک این مسئله را دنبال و به این اندیشه کمک خواهم کرد.^۱

۱,۶. فرهنگ‌سازی برای ارزش ذاتی علم

نخبگان، این فرهنگ را بیش از دیگران می‌توانند در میان جامعه گسترش بدهند. این که یک انسانی با معارف فلسفی یا معارف عرفانی یا با دانشی از دانش‌های گوناگون بشر آشناست، یا دارای ذوق هنری است، این را یک ارزش بدانند؛ ولو کسی نداند؛ ولو تبدیل به پول نشود؛ ولو در بازار تنگ‌نظری‌ها مشتری درست و حسابی هم نداشته باشد. این فرهنگ، فرهنگ خیلی خوبی است؛ این چیزی است که می‌تواند جریان دانش و تحقیق و هنر را در کشور توسعه بدهد؛ و ما به این نیاز داریم. این جور نباشد که ما تصور کنیم اگر به هنر یا به دانش می‌پردازیم، برای این است که یک مابه‌ازای مادی دارد، که اگر این‌جا به دست نیآوریم، برویم جای دیگر. البته طبیعت انسان‌ها بعضاً کثش به این سمت دارد؛ اما فرهنگ دینی و اسلامی این نیست.^۲

۱,۷. تبدیل مسئله‌ی «تولید علم» به گفتمان عمومی

یک مسئله‌ی دیگر هم که به شدت به شما ارتباط پیدا می‌کند، مسئله‌ی تولید علم است. خوشبختانه من می‌بینم در دانشگاه‌ها تولید علم و لزوم عبور از مرزهای دانش به یک گفتمان عمومی تبدیل شده. این خیلی برای من خرسندکننده و نویدبخش است. باید اجرایی کنید. این پیشنهادهایی که این عزیزان من در زمینه‌های دانش و تحقیق و پژوهش و ایجاد مراکز و نخبه‌پروری و ارتباطات و غیره گفتند، همه در جهت همین مسئله‌ی تولید علم است. این بسیار بارز است. این راه را باید دنبال کرد. ما عقبیم.^۳

۱,۸. تحقیق و ابتکار علمی

شرط [دیگر] این است که در محیط کار و تلاش اقتصادی کشور، ابتکار وجود داشته باشد. من عرض می‌کنم چه خوب است کارخانه‌هایی که در کشور ما وجود دارد؛ چه آن‌هایی که در اختیار دولت است و چه آن‌هایی که در اختیار مردم است - امروز تعداد زیادی از واحدهای تولیدی در اختیار مردم و مال خود مردم است - یک مقدار از درآمدشان را برای تحقیق، برای پیشبرد کار و برای کیفیت بخشیدن به کالای تولیدی‌شان صرف کنند. چرا ما باید بنشینیم که دیگری در اروپا، یا در یک گوشه‌ی دیگر دنیا تحقیقی بکند و ما از او یاد بگیریم؟!

۱. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۷۹/۰۹/۲۰.

۲. بیانات در دیدار نخبگان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۴.

۳. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

مگر ما کم‌تر از آن‌ها هستیم؟! مگر ما کم‌تر می‌فهمیم؟! پس باید تحقیقات کنند، ابتکار کنند، تولید را جلو ببرند، صنعت را جلو ببرند، تولید را از لحاظ کیفیت و کمیت بالا ببرند. چیزی را به بازار خواست بشر در سطح جهان عرضه کنید که چشم‌ها را به طرف شما بگرداند و به آن احساس احتیاج کنند. فقط ادعا نباشد؛ در این میدان باید واقعاً عمل باشد.^۱

من خواهش می‌کنم برادران عزیز دانشمند و دارای فکر و قدرت علمی در بخش دفاعی، هر چه می‌توانند، نوآوری و ابتکار خود را در خدمت این کشور و این انقلاب و این ملت قرار دهند. این ملت خیلی عقب نگه داشته شده؛ هرچه شما تلاش کنید، بجاست؛ زیادی نیست.^۲ الان به هر زحمتی هست، باید وارد این میدان شوید؛ آن‌گاه خواهید دید که می‌توانید. این‌ها وارد شدند و دیدند که می‌توانند؛ لذا هواپیما و تانک و سلاح‌های پیشرفته و موشک ساخته شد. چه کسانی این‌ها را ساختند؟ همین شما جوان‌ها و شما نظامی‌ها؛ هم در ارتش و هم در سپاه. پس، از ابزارهای پیشرفته استفاده کنید و حتی‌المقدور آن‌ها را بسازید. از دانش این رشته، حداکثر استفاده را بکنید. دانشکده‌ی شما حقیقتاً مرکز دانش و اطلاعات و تحقیقات باشد؛ جوان‌ها یاد بگیرند، اساتید زحمت بکشند و محققان پژوهش کنند.^۳

نوآوری به دلیل قطعی نبودن نتایج علوم طبیعی و انسانی غربی

البته در همه‌ی بخش‌ها -نه فقط در بخش‌های انسانی که علوم هنوز پیشرفت زیادی ندارد- حتی در بخش‌های طبیعی که پیشرفت علوم زیاد است، نتایج علم هیچ‌وقت قطعی نیست. شما می‌بینید امروز می‌گویند فلان دارو این خصوصیت را دارد، سه سال دیگر می‌آیند صدوهشتاد درجه عکس آن را می‌گویند؛ در حالی که رفته‌اند، سنجیده‌اند و ابزارهای دقیق، خصوصیات را ذره‌ذره دیده‌اند و آزمایش کرده‌اند؛ در عین حال بعدها نتیجه‌ی غلط درمی‌آید و بعد از مدتی نه چندان بلندی می‌بینید آزمایش‌ها عوض می‌شود. علوم انسانی پیشرفت علوم طبیعی را ندارد؛ لذا ضمن این‌که به روش علمی و کار علمی اهمیت می‌دهید و حتماً باید اهمیت بدهید، به نتایج کار علمی صدمه‌ی مؤمن نباشید، که اگر تجربه‌ی محسوس و روشنی جلوی چشم شما بود، بتوانید آن را تخطئه کنید.^۴

۱،۹. نقد و بررسی علوم جدید به‌جای تقلید

در طول سالیان متمادی سلطه‌ی فرهنگ استعمار و فرهنگ وابستگی، ما را عادت دادند به این‌که هر حرفی که از غرب می‌آید، در همه‌ی زمینه‌ها، برای ما حجیت داشته باشد و معتبر باشد و به‌عنوان سند از آن اسم بیاوریم! آن‌ها در تاریخ، در علوم طبیعی، در علوم انسانی و در فقه و حقوق، که ما در آن‌ها ریشه‌های قدیمی داریم، حرفی می‌زنند و ما به آن‌ها استناد می‌کنیم! این عادت شده که ما به مطالب آن‌ها استناد کنیم و آن‌ها را مسلم بگیریم. بایستی باب واسعی برای نقد و تعلیقه زدن و کاوش کردن در حرف‌هایی که امروز از دنیا می‌آید، باز شود. نقد، به معنای رد نیست. ای بسا خیلی از حرف‌ها را ما قبول کنیم و بپسندیم؛ استفاده کنیم -ما راه استفاده کردن را روی خودمان نمی‌بندیم- لیکن استفاده کردن یک حرف است، چشم‌بسته تسلیم شدن و تقلید کردن، حرف دیگری است؛ ما این را نبایستی در جامعه‌ی خودمان بخواهیم و بپسندیم.^۵

۱،۱۰. تبدیل نگاه مونتاز کاری به نوآوری

ما باید یک فکری برای صنعت کشور بکنیم که حالا من در این بحث‌هایی هم که دوستان کردند، دیدم بخش مهمی با این مشکل ارتباط پیدا می‌کند. صنعت کشور دچار آفت مونتاز کاری است که یک آفت قدیمی است؛ وقتی که مسئله، مسئله‌ی مونتاز کاری است، نوآوری

۱. بیانات در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت روز کارگر و روز معلم، ۱۳۷۲/۰۲/۱۵.

۲. بیانات در بازدید از کارخانه‌های صنایع مکانیک وزارت دفاع، ۱۳۷۳/۰۶/۳۱.

۳. بیانات در دیدار فرماندهان حفاظت اطلاعات ارتش، ۱۳۷۹/۰۴/۲۲.

۴. بیانات در دیدار اعضای معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۲/۰۶/۰۳.

۵. بیانات در دیدار شورای مرکزی و اعضای پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۸۳/۰۶/۱۶.

دیگر خیلی معنی ندارد؛ وقتی نوآوری وجود نداشت، پس تحرک علمی و کار علمی دیگر وجود ندارد؛ وقتی کار علمی مطرح نبود، ارتباط صنعت و دانشگاه که ما این همه داریم داد می‌زنیم، تحقق پیدا نمی‌کند. صنعت و دانشگاه اگر به هم ارتباط پیدا کردند، هم دانشگاه پیشرفت پیدا می‌کند، هم صنعت؛ این واضح است. بنده البته این مسئله‌ی ارتباط صنعت و دانشگاه را از خیلی وقت پیش با دولت‌ها مطرح کردم که همین معاونت علمی بالاخره بر اثر فشارها و اصرارهای ما تشکیل شد، به خاطر همین که ارتباط صنعت و دانشگاه تحقق پیدا کند. منتها ارتباط صنعت و دانشگاه وقتی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا می‌کند که صنعت احساس نیاز کند به دانشگاه؛ در مونتاز کاری چنین احساس نیازی نیست. باید به صنعت سفارش کرد؛ همچنان که یکی از دوستان عزیز که صحبت کردند گفتند که از صنایع خواسته بشود؛ خب خواستن از صنایع یک مسئله است، احساس نیاز صنعت کشور یک مسئله‌ی دیگر است؛ این احساس نیاز باید به وجود بیاید. این هم وقتی خواهد شد که این مشکل قدیمی برطرف بشود. بایستی در یک مقطع زمانی مثلاً ده‌ساله - خیلی هم ما عجله نمی‌خواهیم بکنیم - در یک بازه‌ی زمانی ده‌ساله، این مسئله‌ی «تبدیل نگاه از مونتاز کاری به نوآوری» در صنعت به وجود بیاید و این باید در کشور حاکم بشود.^۱

۱.۱.۱. بالا بردن رشد کیفی مقالات علمی

نکته‌ی دیگر در مورد مقالات علمی است. خوشبختانه ما از لحاظ عدد مقالات، سطح بالایی داریم؛ منتها این کافی نیست؛ بلکه باید بگوییم این دارای اهمیت زیاد هم نیست؛ آنچه مهم است کیفیت مقالات است. آن‌طور که من شنیده‌ام و به من گزارش شده، در زمینه‌ی مقالات از لحاظ کیفی وضع ما خیلی خوب نیست؛ بایستی کیفیت‌ها را بالا ببریم، شاخص‌های کیفی بایستی رشد پیدا کند و به جای افزایش عدد مقالات، ارتباط مقالات با مسائل کشور مورد توجه قرار بگیرد که البته این در زبان بعضی از دانشجویهای عزیز ما هم بود؛ خودشان به من گفته‌اند، عقیده‌ی ما هم همین است که بایستی مقالات علمی و پژوهشی در خدمت نیازهای کشور قرار بگیرد و این نیازها هم برای نخبگان تبیین بشود؛ خیلی از نخبگان ممکن است نیازهای کشور را آن‌چنان که هست ندانند.^۲

۲. عملی

۲.۱. تعریف راهبرد بومی برای پیشبرد دانش

شما بایستی خودتان، هدف‌های خودتان را در این دانش معین کنید؛ در همه‌ی بخش‌های علوم شناختی، اول شما هدف‌گذاری کنید تا ببینیم ما چه می‌خواهیم و دنبال چه هستیم، آن‌وقت بر اساس آن هدف‌گذاری، شما موضوع و پروژه تعریف کنید و بخواهید که دانشمند، دانشجو، پژوهشگر، جوان و مانند این‌ها این پروژه را [انجام بدهند]. این نباشد که شما مطالبه‌ی پروژه کنید بدون اینکه هدف‌گذاری کرده باشید؛ مثلاً فرض بفرمایید در دانشگاه‌ها کسانی به میل خودشان یک پروژه‌ای را تعریف کنند، بیایند با شما مثلاً بخواهند هماهنگ کنند، کار کنند که این پروژه اصلاً - به تعبیر فرنگی - روی پازل و مجموعه‌ی شما هیچ تأثیری نمی‌گذارد و این جدول شما را پُر نمی‌کند. شما اول جدولتان را تعریف کنید که چه می‌خواهید، چه کار می‌خواهید بکنید، بعد آن‌وقت خانه‌های این جدول را از فلان دانشگاه، از فلان پژوهشگاه و از آن مجموعه مطالبه کنید تا برای شما تهیه کنند و بیاورند. پس بنابراین این هم توصیه‌ی دوم ما است که به خودتان تکیه کنید، یک راهبرد بومی تعریف کنید برای پیشبرد این دانش‌ها و بر اساس آن، کاربران را وادار کنید که کار کنند.^۳

۱. بیانات در دیدار جمعی از اعضای بنیاد علمی نخبگان و استعدادهای برتر علمی کشور، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی، ۱۳۹۷/۱۱/۰۳.

۲,۲. همت و تلاش

۲,۲,۱. مجاهدت علمی و عملی

اگر می‌خواهید کشور ایران آباد شود، رفاه و رونق اقتصادی، پیشرفت همه‌جانبه، عزت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت شغلی، دانش و پیشرفت تحقیقات از یک طرف، و معنویت از یک طرف این کشور را روشن و نورانی کند، دو چیز را باید در نظر بگیرید. این دو چیز، وظیفه‌ی همه‌ی قشرها، مخصوصاً قشرهای آگاه است.

مبادا کسی خیال کند که مملکت بدون فعالیت و تلاش‌سازندگی - فقط با ذکر خدا گفتن - آباد خواهد شد؛ ابدأً. باید تلاش کرد، باید مجاهدت کرد؛ هم مجاهدت علمی، هم مجاهدت عملی.

گذشت آن دورانی که آمریکایی‌ها خیال می‌کردند صاحب اختیار دنیا هستند؛ نسبت به کشورهای گوناگون عالم خط و نشان می‌کشیدند و تصمیم‌گیری می‌کردند. همه‌ی این‌ها به برکت این است که شما ملت، این دو کار را فراموش نکنید: یکی شرکت در سازندگی کشور؛ هم سازندگی علمی - یعنی درس بخوانید، درس بگویید، تحقیق، فکر و نوآوری کنید، ابتکار کنید و راه‌های میانبر را پیدا کنید؛ بن‌بست‌ها را بشکافید و جلو بروید - هم کار عملی.^۱

امروز بخشی از علم، در اختیار شماست. بنابراین، با این دید به دانش پزشکی نگاه کنید. پزشکی فقط یک حرفه نیست؛ بلکه دانش در مرتبه‌ی بالاتر و عالی‌تر هم هست. البته غایت این دانش و تحقیق آن است که انسان، جان انسان‌ها را نجات دهد. در این شکی نیست؛ اما چه وقت می‌توان جان انسان‌ها را نجات داد؟ آن وقت که این دانش ارتقا پیدا کند. پس پزشکی، یک دانش و یک حرکت علمی والاست. شما سعی کنید که در جمهوری اسلامی، این میدان را با بهترین شکل بیارایید.

درخواست ما از شما پزشکان مؤمن این است و توقع داریم که فضای پزشکی جامعه را به این سمت پیش ببرید. قانع نمی‌شویم به این که پزشکان ما با مراجعینشان خوب رفتار کردند. رفتار خوب، عمل پسندیده‌ای است؛ اما همه‌ی قضایا نیست. قانع نمی‌شویم به این که پزشک خوب و انقلابی‌مان، در جنگ و در انقلاب، حضور فعال داشته است. حضور فعال در آن دو عرصه، کار بسیار مهمی است؛ اما همه‌ی مطلب این نیست. ما مایلیم که شما در آزمایشگاه‌هایتان، در خلوتگاه‌های تحقیقتان، در کلاس‌های درستان و در آن‌جا که محل گُل کردن علمی ذهن انسان است، قدم‌های بلندی بردارید و تلاش واقعی کنید که سطح پزشکی را ارتقا ببخشید.^۲

۲,۲,۲. تلاش همگانی

این کشور با این همه انسان با استعداد، با این همه زمینه‌ی رشد و پیشرفت علمی و فنی و صنعتی و بخش‌های مختلف علمی و با این همه امکانات، امروز با یک فاصله‌ی بسیار ژرف و عمیقی عقب است. ما باید این فاصله را طی کنیم؛ همه‌ی کسانی که توانایی‌ای در خودشان سراغ دارند - هر نوع توانایی در هر بخش که هست؛ چه در بخش ساخت‌وساز، چه در بخش صنعت، چه در بخش کشاورزی، چه در بخش علم و تحقیق و پژوهش و پرورش انسان‌های دانشمند، چه در بخش‌های گوناگون دیگر، حتی در ورزش و هنر و امثال این‌ها - باید به این لشکر افتخار ببینند و در این راه بیفتند؛ مشکلات این کشور را حل کنند و به فضل پروردگار حل خواهیم کرد. این مشکلات، بسیار کوچک‌تر از آن است که یک مجموعه‌ی مؤمن و متوکل به خدا و دارای اعتمادبه‌نفس نتواند آن‌ها را حل کند؛ حل می‌شود و حل خواهیم کرد؛ منتها هرچه که خیل پیوستگان به این مجموعه انبوه‌تر و با کیفیت‌تر و با نشاط‌تر و سرزنده‌تر باشند، این کار سریع‌تر انجام خواهد

۱. بیانات در اولین روز ورود به ساری، ۱۳۷۴/۰۷/۲۲.

۲. بیانات در دیدار «انجمن اسلامی» و «جامعه‌ی اسلامی» پزشکان کشور، ۱۳۷۳/۰۴/۲۰.

گرفت و به پایان خواهد رسید. ان شاء الله که همه‌ی شما این توفیق را پیدا کنید.^۱

۲,۲,۳. تحمل دشواری‌ها

در راه تحصیل علم و افزودن بر بار علمی و توانایی‌های علمی خودتان، هیچ کوتاهی نکنید. به کاری که کردید، هیچ قناعت نکنید و آن را قدم اول بدانید. شما مثل کوهنوردی هستید که باید بروید و به قلّه برسید. شما الان دارید در پیچ‌وخم‌های اول راه حرکت می‌کنید، که گاهی عرق آدم هم درمی‌آید. به موفقیت‌های ابتدایی راه قانع نشوید؛ نگاه کنید ببینید قلّه کجاست. باید زحمت بکشید و دشواری‌ها را تحمل کنید، تا بتوانید به قلّه برسید.^۲

۲,۳. جدی گرفتن علم و تحقیق در دانشگاه

البته جنبش تولید علم، بدون پیشرفت علم ممکن نیست. بدون پیشرفت علم، در این دنیای متنوع نمی‌شود رقابت کرد و پیش رفت؛ حتماً پیشرفت علم لازم است. این، وظیفه‌ی دانشگاه‌ها و دانشجویان و اساتید را بسیار سنگین می‌کند. شما باید در محیط دانشگاه، مسئله‌ی علم و تحقیق را جدی بگیرید. این که دانشجوی عزیز در صحبت خود به بودجه‌ی تحقیقات اشاره کردند و گفتند کم است و آن را به‌عنوان مطالبه و درخواست دانشجویان مطرح نمودند، مرا خوشحال می‌کند. در جلسه‌ی اساتید هم که بودیم، اتفاقاً همین را مطرح می‌کردند. این خیلی خوب است که جوان، دنبال تحقیق، کار علمی و پیشرفت علم باشد. بدون پیشرفت علم نمی‌شود کشور را پیش برد. امروز حتی دشمنان بشریت از علم استفاده می‌کنند. ما برای آرمان‌های والا، ارزش‌های حقیقی، فضایل انسانی و گسترش آن‌ها ناگزیریم از علم و شرافت ذاتی علم استفاده کنیم.^۳

پژوهش محور شدن دانشگاه‌ها

مسئله‌ی [دیگر]، مسئله‌ی پژوهش است؛ پژوهش خیلی مهم است. البته ما پژوهشگاه‌هایی داریم، خوب هم هست اما خود دانشگاه‌ها باید پژوهش محور بشوند؛ پژوهشگاه درست کنند، پژوهشکده درست کنند و خود دانشگاه بشود پژوهش [محور]. منافاتی هم ندارد که بیرون هم باشند، پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌های بیرونی وجود داشته باشند اما خود دانشگاه‌ها بشوند پژوهش محور.^۴

۲,۴. دامن زدن به مسائل علمی در رسانه

علم را باید رویانید. به نظر من، رسانه می‌تواند در نهضت تولید علم و فکر و نظریه و اندیشه در زمینه‌های مختلف -چه در زمینه‌ی فنی و چه در زمینه‌ی انسانی و غیره- نقش ایفا کند. شما می‌توانید خط تولید علم و فکر و نظریه را برنامه‌ریزی شده دنبال کنید؛ به بحث‌های منطقی و مفید دامن بزنید؛ کرسی‌های نوآوری را تلویزیونی کنید و چهره‌های علمی نوآور خوب را مطرح نمایید. به نظر من، شما در مقوله‌ی علم، مطلقاً بی‌طرف نیستید؛ جزو مسئولیت‌های مهم شماس است که باید مسئله‌ی علم را دنبال کنید.^۵

۲,۵. تولید علم به جای تکرار شعارها

توجه کنید این شعارهایی که ما می‌دهیم، اگر به عمل نرسد، به یک الفاظ بی‌معنی و بی‌محتوا تبدیل خواهد شد. اگر همین‌طور مرتب بگوییم «رستاخیز نرم‌افزاری در تولید علم» یا «اجتناب از علم ترجمه‌ای» -همین حرف‌هایی که ما در بحث‌های خود زده‌ایم و افراد دیگر

۱. بیانات در دیدار نخبگان اراک، ۱۳۷۹/۰۸/۲۶.

۲. بیانات در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور، ۱۳۸۴/۰۱/۳۰.

۳. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

۴. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۰۸/۲۰.

۵. بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صداوسیما، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱.

هم می‌گویند- ولی عمل نکنیم، این شعارها به یک حرف‌های مهووع^۱ و کسالت‌آور تبدیل خواهد شد و خود را پس می‌زند. بنابراین، باید وارد میدان کار شوید. البته اعتقاد من این است که شما می‌توانید و در ذهن من در این زمینه هیچ ابهامی وجود ندارد که نسل ایرانی امروز ما - مرادم فقط نسل جوان نیست؛ همین شماها؛ این نسل موجود صحنه‌ی علم و تحقیق - این توانایی را دارد؛ هم برای برنامه‌ریزی‌اش توانایی دارد، هم برای اداره‌ی آن تا قدم آخر توانایی دارد. شما بحمدالله آدم‌های فراوانی دارید که می‌توانند این کارها را بکنند. بنابراین به این کار بپردازند.^۲

۲,۶. سرمایه‌گذاری مستمر در علوم پایه

بحث علوم پایه خیلی مهم است منتها چون دستاورد نقد حاضر و آماده‌ای برایش وجود ندارد، گرایش به آن در بین دانشجویان و کسانی که رشته انتخاب می‌کنند، کم است. باید ترتیبی داده بشود که گرایش به این دانش‌های علوم پایه یک گرایش بهتری، و گرم‌تری از سوی دانشجویان باشد و علوم پایه، هم نیاز دارد به سرمایه‌گذاری دولت - چون متأسفانه دولت‌ها هم وقتی مشکل مالی پیدا می‌کنند، جزو اولین جاهایی که در بودجه حذف می‌شود، عبارت است از همین بخش علم و فرهنگ و مانند این‌ها؛ این‌ها هیچ مشکلی، دردسری ندارد؛ اول بودجه‌ی این‌ها را [قطع می‌کنند]؛ آمدند به من گفتند که بودجه‌ی بخش‌های علمی را امسال پنجاه درصد کم کرده‌اند؛ خب یعنی پنجاه درصد از فعالیت علمی کشور بایستی متوقف بشود - دولت باید کمک بکند، هم خود صاحب‌نظران و دانشمندان باید کمک کنند، هم آموزش و پرورش در این زمینه وظیفه دارد؛ هدایت تحصیلی باید انجام بگیرد از طرف آموزش و پرورش؛ جوری این جوان را حرکت بدهند و هدایت تحصیلی بکنند که به سمت علوم پایه و مانند این‌ها حرکت بکند.

ما در علوم پایه باید سرمایه‌گذاری مستمر بکنیم و حرکتمان حرکت پیش‌دستانه باشد؛ یعنی سعی کنیم به استقبال حقایق کشف‌نشده‌ی عالم برویم. حقایق بسیاری در عالم وجود دارد که کشف نشده، کما اینکه صد سال پیش خیلی از حقایق که امروز کشف شده، کشف نشده بود؛ در طبیعت وجود داشت اما کشف نشده بود. این جور نیست که فرض کنید که نیروی الکتروسیسته تازه به وجود آمده [باشد]؛ از اولی که دنیا به وجود آمد، این بود، [لکن] کسانی همّت کردند، هوشمندی به خرج دادند و این را کشف کردند. ما دنبال حقایق کشف‌نشده‌ی عالم وجود باشیم؛ یکی از کارهای اساسی ما این است. پرداختن به علوم پایه و علوم بنیادی این خصوصیت را دارد که جامعه‌ی علمی را می‌کشاند به سمت کشف حقایق کشف‌نشده؛ نه اینکه ما هم فقط صرفاً حول و حوش حقایقی که کشف شده است و حرکت‌هایی که دیگران انجام داده‌اند، حرکت بکنیم.^۳

۲,۷. پرورش استعداد های برتر

وقتی ما می‌گوییم مرزهای علم را باید بشکافیم و باید از سخن روز علم یک قدم جلوتر برویم، این برای بعضی باورنکردنی است. وقتی من می‌گویم ما باید به آنجا برسیم که اگر در اکناف عالم یک پژوهشگر، یک دانشمند، بخواهد به فلان نظریه‌ی علمی یا نظریه‌ی فلسفی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را یاد بگیرد، بعضی با نگاه انکارآمیز به این نگاه می‌کنند. من معتقدم و می‌بینم در مقابل خودم که چنین چیزی شدنی است. ما اگر همّت کنیم، می‌توانیم تا بیست سال دیگر، تا سی سال دیگر، کاری کنیم که وقتی نام‌آوران عرصه‌ی علم و فناوری را در دنیا نام می‌آورند، ایرانیان و کشور ما در صدر قرار بگیرد؛ می‌توانیم این کار را بکنیم؛ ما استعدادمان خیلی خوب است؛ همه چیز، این را گواهی می‌دهد. آنچه ما کم داشتیم - که انقلاب به ما داد - اعتمادبه‌نفس بود؛ ما امروز اعتمادبه‌نفس پیدا کرده‌ایم. جریان علمی کشور،

۱. تهوع‌آور، نفرت‌انگیز.

۲. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۰/۱۰/۰۸.

۳. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۸/۰۳/۰۸.

خوشبختانه جریان خوبی است؛ این جوان‌های ما امروز اعتماد به نفس دارند.^۱

۲,۷,۱. توجه به استعداد های جوان و نخبه‌پروری

کشور ما، یک کشور علم‌خیز است. شما، این قضیه را خوب می‌دانید. سابقه‌ی علمی ما، یک سابقه‌ی طولانی است. شکوفایی علمی و درخشندگی ما در این زمینه، در برهه و بلکه برهه‌هایی از تاریخ، چیزی است که دوست و دشمن به آن معترف و مدعن آهستند. چیزی نیست که کسی بتواند آن را انکار کند. وجود استعدادهای بسیار برجسته در کشور ما - و امروز در بین جوانان و دانشجویانمان - حقی است که جملگی برآیند، من از دوستانی که در مراکز علمی بزرگ دنیا حضور داشته‌اند، شنیدم که به من می‌گفتند «دانشجویان ایرانی، به‌طور متوسط، از متوسط دانشجویان دنیا، بالاترند.» یعنی در این وضع متوسط است که از متوسط سطح استعداد و هوش جهانی بالاتریم. اما علاوه بر این، برجستگی‌ها و قله‌هایی هم به‌طور وافر در بین جوانان دیده می‌شود. این، یک واقعیت است. متأسفانه در زیر سرپوش حکومت ناصالحان - از این بُعد که نگاه کنیم، حقیقتاً، سلاطین ناصالح‌ترین افراد بودند - این استعداد برجسته، روزبه‌روز به افول نزدیک شده، تحلیل رفته، ضعیف شده و خشکیده است. اما امروز، بحمدالله، این میدان وجود دارد. این وضعیت و این استعداد هست که بتوانیم از این زمینه‌ها و قوه‌ها، حداکثر استفاده را بکنیم.^۲ [بنابراین] در میان جوانان ما افرادی هستند که می‌توانند در مسابقات جهانی و در عرصه‌های وسیع مسابقاتی در داخل کشور رتبه‌های برجسته‌ای را بیاورند و این‌ها استعدادهای درخشان هستند و از این استعدادهای درخشان ما در کشور زیاد داریم و با تکیه‌ی به این‌ها ملت ایران و کشور عزیز ما خودش را خواهد ساخت و پیش خواهد برد و دره‌ی ژرفی را که بین ما و قله‌ی علم در دنیا به‌وجود آوردند، به تدریج پر خواهد کرد.^۳

باید مسئولان کار علمی در کشور، زمینه‌ها را فراهم نمایند و همه کمک کنند. راه‌ها را برای جوانان ممتاز و برتر باز کنند؛ هم در علوم ریاضی، هم در علوم طبیعی، هم در علوم انسانی، هم بخصوص در زمینه‌ی ادبیات فارسی، هم در مسائل علوم دینی، هم در فلسفه و در مسائل فکری. در همه‌ی این رشته‌ها ما احتیاج داریم که کسانی با این استعدادهای درخشان این شاء الله میدان جلوشان باز باشد و بتوانند پیشرفت کنند که این تکلیف مسئولان را سنگین می‌کند.^۴

اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسئله‌ی علم و فناوری و نخبه‌پروری سرمایه‌گذاری کنیم، حتماً در یکی از بااولویت‌ترین کارها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. پیشرفت علمی و به دنبال آن، پیشرفت فناوری، به کشور و ملت این فرصت و این امکان را خواهد داد که اقتدار مادی و معنوی پیدا کند؛ بنابراین با یک نگاه راهبردی، علم یک چنین اهمیتی دارد.^۵

۲,۷,۲. توجه به نیازها و به‌کارگیری استعدادهای بانگیزه

متوسط استعداد کشور ما از متوسط جهانی بالاتر است. به عنوان نمونه، شما به صحنه‌ی هشت سال دفاع مقدس - یعنی سال‌های ۵۹ تا ۶۷ - که میدان برای بروز استعدادهای باز شد، نگاه کنید. نیاز فراوان بود، اما درهای دنیا به روی ما بسته بود. هر چیزی که به جنگ ما کمک می‌کرد، دنیا حاضر نبود آن را در اختیار ما بگذارد - نه سلاح، نه مهمات، نه پشتیبانی و نه اطلاعات - از طرفی هم کشور درگیر دفاع از هویت خود، از خاک خود، از مرزها و از خانه‌ی خود بود؛ بنابراین به آن امکانات نیاز داشت. این نیاز موجب شد استعدادهای در همه‌ی زمینه‌ها - هم در

۱. بیانات در دیدار نخبگان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۴.

۲. اقرارکننده، اعتراف‌کننده.

۳. بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان علوم، ۱۳۷۲/۰۸/۲۴.

۴. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و نخبگان سراسر کشور، ۱۳۸۴/۰۷/۰۳.

۵. بیانات در دیدار نخبگان علمی سراسر کشور، ۱۳۷۸/۰۷/۱۹.

۶. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴.

زمینه‌ی علمی و هم در زمینه جنگی و نظامی - به جریان افتد. پایه‌ی پیشرفت‌های علمی کشور - که امروز شما برخی از نمونه‌های آن را می‌شنوید - در دوران دفاع مقدس گذاشته شد.

امروز بسیاری از جوانانی که در بخش‌های بسیار حساس علمی کشور مشغول کار هستند، همان عناصر دفاع مقدس‌اند که با همان روحیه و انگیزه مشغول کار شده‌اند و امروز یک نمونه از کارهای شگفت‌آمیز آن‌ها همین غنی‌سازی مواد هسته‌ای است، که جزو محرمانه‌ترین فناوری‌های جهانی است که قدرت‌ها آن را در دست در اختیار خود نگاه داشته‌اند؛ اما جوانان ما توانستند با تکیه به استعداد و هوش و دستان ماهر خود، این کار بزرگ را انجام دهند، که شما عکس‌العمل‌های مستکبران عالم را می‌بینید. جنجال‌هایی که امروز در دنیا وجود دارد، عکس‌العمل در مقابل استعداد و توانایی و افتخارات شماست.

یک نمونه‌ی دیگر، تولید و تکثیر سلول‌های بنیادی است که من ماه گذشته گفتم؛ اخیراً هم خودشان آمدند و توضیح دادند. متخصصان و دانشمندان جهانی مجبور شده‌اند اعتراف کنند که جوانان ما با پشتوانه‌ی ایمان و همت و غیرت توانسته‌اند استعداد جوشان پنهان خود را آشکار کنند و این راه بزرگ را بروند. از این قبیل، ما نمونه‌های متعددی در صحنه تحقیقات داریم.^۱

۲,۸. یافتن راه‌های میانبر در تولید علم

۲,۸,۱. راه میانبر؛ راه رسیدن به روند روبه‌جلوی دانش جهانی

روند دانش، یک روند رو به سرعت است. مثل این است که یک نفر پیاده راه می‌رود، اما یک نفر دیگر به دوچرخه دست پیدا می‌کند و با این دوچرخه، زودتر مسیر را می‌پیماید. وقتی به دوچرخه دست پیدا کرد، زودتر هم به اتومبیل می‌رسد. وقتی سوار اتومبیل شد، سرعتش چندین برابر می‌شود، تا برسد به آن جایی که هواپیما ایستاده است. وقتی به هواپیما رسید، سرعتش صد برابر می‌شود. اما کسی که پیاده است، می‌آید تا شاید یک وقت به دوچرخه برسد! فاصله این‌طور است. فاصله‌ی بین ما و بین کشورهای خارج، این‌طور رو به ازدیاد است. حال ما باید چه کار کنیم؟ چگونه باید طی کنیم؟ باید میانبر بزنیم. باید از همه‌ی استعدادهای این کشور استفاده کنیم؛ باید صمیمیت در حرکت و مقابله با دشمنان و سیاست‌های استعماری، در این کشور نهادینه شود؛ و این، جز با انقلاب و به برکت انقلاب، امکان‌پذیر نبود نخواهد بود.^۲

۲,۸,۲. راه میانبر برای جبران عقب‌ماندگی صدساله‌ی علمی

البته ما از لحاظ علمی عقب‌افتادگی داریم؛ این هم جای بحث نیست. بحث ده سال و بیست سال هم نیست؛ شاید ما صد سال در این حرکت به معنای حقیقی کلمه عقب‌ماندیم. البته ما صدسال دیرتر شروع نکردیم؛ لیکن چون روند شتابنده است، دائماً فاصله زیاد شده است. راه میانبر هم حتماً وجود دارد؛ یعنی گستره‌ی عظیمی که امروز علم پیدا کرده و چیزهای جدیدی که به برکت دید علمی در عالم آفرینش پیدا می‌شود، به ما نشان می‌دهد که همه چیز در این دنیای بزرگ امکان‌پذیر است؛ از جمله پیدا کردن راه‌های میانبر. راه میانبر خودش یک حرکت علمی است؛ یعنی ما بدانیم که اگر بخواهیم به سطح علمی امروز دنیا برسیم، لازم نیست از همه‌ی این مراحل عبور کنیم؛ بلکه می‌توانیم راه‌های میانبری را پیدا کنیم.^۳

امروز سرعت پیشرفت ما خوب است؛ اما با توجه به عقب‌ماندگی‌های گذشته که کشور ما دارد، هر چه سرعتمان بیش‌تر باشد، باز هم زیادی نیست. ما باید خیلی پیش برویم؛ از راه‌های میانبر استفاده کنیم؛ از شتاب فراوان بهره ببریم؛ ما باید در همه‌ی علوم تولید داشته

۱. بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۸۲/۰۶/۲۶.

۲. بیانات در دیدار مسئولان استان چهارمحال و بختیاری در شهرکرد، ۱۳۷۱/۰۷/۱۶.

۳. بیانات در دیدار دسته‌جمعی روزهای دوشنبه، دیدار با هیئت رئیسه‌ی دانشگاه تهران، ۱۳۷۵/۰۱/۲۰.

۲,۸,۳. تمام اکتشافات فعلی حاصل کشف راه‌های میانبر آنها

البته من بارها به اندیشمندان خودمان گفته‌ام - آن نکته‌ای که شما گفتید - «غرب از ما خیلی جلوتر است»؛ این حقیقتی است. ما اگر بخواهیم از همان راهی که غرب حرکت کرده، دنبالش برویم تا به آن نقطه‌ای که امروز هست، برسیم، عمرها و قرن‌ها طول خواهد کشید و نخواهیم توانست. ما احتیاج به راه‌های میانبر داریم. آیا راه میانبری وجود دارد؟ حتماً وجود دارد. کو؟ من نمی‌دانم؛ بروید تا پیدا کنید. تمام این اکتشافات فعلی، راه‌های میانبرند. ببینید؛ زمانی حرکت با نیروی بخار نبود، با استفاده از نیروهای دیگری غیر از نیروی بخار بود؛ اما یک نفر نیروی بخار را به دست آورد؛ یعنی چیزی در طبیعت وجود داشت نیروی بخار از اول عالم وجود داشته - کسی آن را کشف کرد. این یعنی یک راه میانبر.

راه‌های میانبر را کشف کنید. این نیروی الکتریسته که شما مشاهده می‌کنید - که در واقع امروز همه‌ی کارهای دنیا، یا قسمت مُعظمی از آن را انجام می‌دهد - همیشه در طبیعت وجود داشته، این که به وجود نیامده است؛ یک نفر رفت، این راه میانبر را یافت و از آن عبور کرد.^۲

۲,۹. تقویت شتاب علمی

الحمدلله در این پانزده شانزده سال، بیست سال - قریب بیست سال اخیر - حرکت علمی در کشور یک حرکت جدی خوبی شده لکن این حرکت اگر از شتاب بیفتد، ما عقب می‌مانیم. حالا بعضی اوقات آمار می‌دهند، می‌گویند «آقا! شتاب حرکت ما مثلاً پانزده برابر متوسط دنیا است.»؛ خیلی خوب، این خیلی خوب است اما کافی نیست؛ [چون] ما از زیر صفر شروع کردیم. ما بعد از نابودی رژیم طاغوت از زیر صفر تقریباً شروع کردیم و وقتی که از زیر صفر شروع می‌کنیم، برای اینکه برسیم به نقطه‌ی اوج، شتابمان بایستی زیاد باشد و در مدت طولانی‌ای [هم] این شتاب باید زیاد باشد. این کافی نیست که الان شتاب ما مثلاً چند برابر متوسط دنیا است؛ بلکه [هست] اما این به اصطلاح شدت شتاب، بایستی بیست سال طول بکشد، سی سال باید طول بکشد تا ما بتوانیم به نقطه‌ی اوج برسیم؛ و آلا اگر چنانچه ما نکنیم، [عقب می‌مانیم]. حالا این رشته‌های مربوط به علوم شناختی، یک مجموعه است، یک دستگاه علمی است؛ دستگاه‌های علمی دیگری بلافاصله به وجود خواهد آمد، یعنی تولید خواهد شد؛ ذهن بشر که متوقف نمی‌شود. آنهایی که در این زمینه‌های ابتدایی، در زیرساخت‌های علمی از ما جلو هستند، زودتر مسئله به ذهنشان می‌رسد، زودتر درصد حلش برمی‌آیند و زودتر به رتبه‌ی بالاتر می‌رسند لذا ما باید خودمان را بالا بکشیم. عرض من این است؛ اصرار بنده بر این است.

الحمدلله حالا در این زمینه ما پیشرفت کرده‌ایم؛ در بعضی زمینه‌های دیگر هم الحمدلله پیشرفت‌هایمان خوب بوده اما هیچ دل خوش نباید باشیم - حالا دل خوش که عیب ندارد، دل خوش باشیم - یعنی به این قانع نباید باشیم؛ مطلقاً. باید توجه کنیم که اگر ما امروز از این کاروان اندکی عقب مانده‌ایم، قطعاً دیگر نخواهیم رسید؛ نباید بگذاریم که عقب بمانیم. یک شعری است که یاد نمی‌آید [اما] مضمونش این است که داشتیم با کاروان می‌رفتیم، یک خاری در پای ما رفت، خم شدیم، نشستیم خار را از پایمان دریاوریم، دیگر نرسیدیم به کاروان؛ این جور است؛ یعنی کاروان پیشرفت دنیا این جور است. تا شما نشستی که خار را از پایت دریاوری، از راه عقب ماندی و دیگر نمی‌شود رسید؛ چون او هم دارد می‌دود؛ شما اگر می‌دوید، او هم دارد می‌دود. لذا نباید اصلاً توقف وجود داشته باشد، بایستی به طور دائم حرکت کنیم. این یک نکته‌ی اساسی است که اصل کار را من تأکید می‌کنم، تأیید می‌کنم.^۳

۱. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

۲. بیانات در گفت‌وگوشنود صمیمانه با گروهی از جوانان و نوجوانان (گروه کودک و نوجوان صداوسیما، برنامه‌ی نیمرخ)، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی، ۱۳۹۷/۱۱/۰۳.

۲,۱۰. جریان سازی علمی

خوشبختانه امروز شرکت‌های دانش‌بنیان، خیلی رشد جهشی خوبی پیدا کرده؛ سرمایه‌گذاری‌های خوبی شده. هیئت‌های علمی، هسته‌های علمی در دانشگاه‌ها - که باز این هم مورد تأکید ما بود - بحمدالله به وجود آمده. جهت‌گیری‌های فکری نخبه‌پروری تصحیح شده... این‌ها هست، منتها در عین حال بنده قانع نیستم؛ نه اینکه من قانع نیستم، [بلکه] اکتفا نمی‌شود کرد. ما هنوز خیلی راه داریم، خیلی فاصله داریم تا اینکه به نقطه‌ی مطلوب برسیم... ما بایستی در زمینه‌ی پیشرفت علمی به تحرک نقطه‌ای در فلان دانشگاه یا فلان پژوهشکده یا مانند این‌ها اکتفا نکنیم؛ باید روندسازی بشود، رویه‌سازی بشود؛ باید در کشور جریان‌سازی بشود در زمینه‌ی علم و پیشرفت علمی؛ به صورت جریان دربیاید، به صورت رویه دربیاید که قابل توقّف نباشد. این جور نباشد که اگر چنانچه این دولت آمد و سلیقه‌ی خاصی داشت، بتواند در پیشرفت علمی کشور تأثیری ایجاد کند و مثلاً نكسی^۱ به وجود بیاورد؛ یا فلان مسئول دولتی اگر آمد و عقیده‌ی دیگری داشت، همین‌طور. بایستی سلیق و شیوه‌ها و روش‌های مدیریتی در پیشرفت علمی کشور اثر بگذارد؛ این وقتی خواهد شد که رویه‌سازی بشود.^۲

۲,۱۱. تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی

۲,۱۱,۱. ضرورت تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی

یکی دیگر از کارهایی که باید در زمینه‌ی مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی انجام بگیرد، میدان دادن به دانشجویست برای اظهار نظر. از اظهار نظر هیچ نباید بیمناک بود. این کرسی‌های آزاداندیشی که ما گفتیم، در دانشگاه‌ها باید تحقق پیدا کند و باید تشکیل بشود. اگر چنانچه بحث‌های مهم تخصصی در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در زمینه‌های گوناگون حتّی فکری و مذهبی، در محیط‌های سالمی بین صاحبان توان و قدرت بحث مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این بحث‌ها به محیط‌های عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد آمد.

وقتی که با عامه‌ی مردم، افراد مواجه می‌شوند، همه نمی‌توانند خودشان را حفظ کنند. مواجهه‌ی با عامه‌ی مردم، انسان‌ها را دچار انحراف‌ها و انحطاط‌ها و لغزش‌های زیادی می‌کند که متأسفانه ما شاهد بودیم. خیلی از افرادی که شما می‌بینید در مواجهه‌ی با عامه‌ی مردم یک حرفی می‌زنند، یک چیزی می‌گویند، در اعماق دلشان ای بسا خیلی اعتقادی هم ندارند. به تعبیر بعضی‌ها جوگیر می‌شوند؛ این خیلی چیز بدی است. اگر در محیط‌های خاص، محیط‌های آزاداندیشی و آزادفکری، این مسائل مطرح بشود - مسائل تخصصی، مسائل فکری، مسائل چالش برانگیز - مطمئناً ضایعات کم‌تر پیش خواهد آمد.^۳

۲,۱۱,۲. حمایت از روش‌های علمی و معقول برای رونق علم و اندیشه

برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب‌نظران»، تولید علم و اندیشه‌ی دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود. برای علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهار هرج و مرج فرهنگی نیز بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود. به نظر می‌رسد که هر سه روش پیشنهادی شما یعنی تشکیل ۱. «کرسی‌های نظریه‌پردازی»، ۲. «کرسی‌های پاسخ به سؤالات و شبهات» و ۳. «کرسی‌های نقد و مناظره»؛ روش‌هایی عملی و معقول باشند و خوب است که حمایت و مدیریت شوند؛ به نحوی که هر چه بیش‌تر، مجال علم گسترش یافته و فضا بر دکان‌داران و فریب‌کاران و راهزنان

۱. ضعف، سستی.

۲. بیانات در دیدار جمعی از اعضای بنیاد علمی نخبگان و استعداد‌های برتر علمی کشور، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶.

۳. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸.

راه علم و دین، تنگ‌تر شود.^۱

۲،۱۱،۳. تقویت مناظرات علمی و نظریه‌پردازی روشمند

این جانب با چنین طرح‌هایی [کرسی‌های نظریه‌پردازی، کرسی‌های پاسخ به سؤالات و شبهات، کرسی‌های نقد و مناظره] همواره موافق بوده‌ام و از آن حمایت خواهم کرد و از شورای محترم مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌خواهم تا با اطلاع و مساعدت «مراجع بزرگوار و محترم» و با همکاری و مشارکت «اساتید و محققین برجسته‌ی حوزه»، برای بالندگی بیش‌تر فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و سایر موضوعات تحقیق و تألیف دینی، و نیز فعال کردن «نهضت پاسخ به سؤالات نظری و عملی جامعه»، تدارک چنین فرصتی را ببینند. از شورای محترم انقلاب فرهنگی و به‌ویژه ریاست محترم آن نیز می‌خواهم که این ایده را در اولویت دستور کار شورا برای رشد کلیه‌ی علوم دانشگاهی و نقد متون ترجمه‌ای و آغاز «دوران خلاقیت و تولید» در عرصه‌ی علوم و فنون و صنایع و به‌ویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی قرار دهند، تا زمینه برای این کار بزرگ به تدریج فراهم گردد و دانشگاه‌های ما بار دیگر در صف مقدّم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار گیرند.

بی‌شک هر دو نهاد از طرح‌های پیشنهادی فضیای دانشگاهی و حوزوی... استفاده خواهند کرد، تا با رعایت همه‌ی جوانب مسئله، جنبش «پاسخ به سؤالات»، «مناظرات علمی» و «نظریه‌پردازی روشمند» را در کلیه‌ی قلمروهای علمی حوزه و دانشگاه، نهادینه و تشویق کنند. امیدوارم که مراحل اجرای این ایده، دچار فرسایش اداری نشده و تا پیش از بیست‌وپنجمین سالگرد انقلاب، نخستین ثمرات مهم آن آشکار شده باشد.^۲

۲،۱۱،۴. استفاده از ابتکار و توان انقلابی

فاصله با کشورهای پیشرفته زیاد است. آن‌ها با امکاناتی که دارند، می‌توانند لحظه به لحظه این فاصله را بیش‌تر کنند. شما آن امکانات را ندارید - آن آزمایشگاه‌های مدرن، آن پیشرفت‌ها، آن امکانات علمی - بنابراین هر چه می‌توانید، از نیروی ابتکار خود و قدرتی که خدا به شما داده و حرارتی که انقلاب در اختیارتان گذاشته است، استفاده نمایید و احساس خستگی نکنید. آن‌گاه این فاصله پُر خواهد شد.^۳

۲،۱۲. ترویج کتاب و کتاب‌خوانی

۲،۱۲،۱. کتاب؛ گنجینه‌ی بزرگ دانش و تحقیق

حقیقت آن است که کتاب یکی از ارزشمندترین فراورده‌های بشری و گنجینه‌ی بزرگ‌ترین ثروت‌های بشر یعنی دانش و تحقیق است. دین و دنیای بشر و جسم و جان انسان، به برکت کتاب تأمین و تغذیه می‌شود و فرایند کمال بشری به وسیله‌ی کتاب تحقق می‌یابد. کتاب، مادر تمدن‌ها و نیز عصاره‌ی آن‌ها است، و بشر با پدید آوردن کتاب، درس‌های بی‌شماری را که در کتاب تکوین بدو آموخته شده، گرد می‌آورد و در محیط بشری منتشر می‌سازد و بدین‌گونه روز به‌روز گنجینه‌ی ثروت بشری، غنای بیش‌تر می‌یابد.^۴

۲،۱۲،۲. کتاب‌خوانی و علم‌آموزی؛ یک واجب دینی

اکنون ملت ایران باید عقب‌افتادگی‌ها را جبران کند. اینک فرصت بی‌نظیری از حکومت دین و دانش بر ایران پدید آمده است، که باید از آن در جهت اعتلای فکر و فرهنگ این کشور بهره جست. امروز کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است. از همه بیش‌تر، جوانان و نوجوانان، باید احساس وظیفه کنند، اگر چه آن‌گاه که انس با کتاب رواج یابد، کتاب‌خوانی، نه یک تکلیف، که

۱. پاسخ به نامه‌ی جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.
۲. پاسخ به نامه‌ی جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶.
۳. بیانات پس از بازدید از مجتمع مهمات‌سازی پارچین، ۱۳۷۷/۰۳/۰۳.
۴. پیام به مناسبت گردهمایی کتاب و کتابخانه، ۱۳۷۴/۰۶/۲۱.

یک کار شیرین و یک نیاز تعلل‌ناپذیر و یک وسیله برای آراستن شخصیت خویشتن تلقی خواهد شد، و نه تنها جوانان، که همه‌ی نسل‌ها و قشرها از سر دلخواه و شوق بدان رو خواهند آورد.^۱

۲،۱۳. ایجاد وحدت حوزه و دانشگاه

۲،۱۳،۱. مقصود از وحدت حوزه و دانشگاه

- حرکت پایه‌پای علم و دین

در نظام اسلامی، علم و دین پایه‌پای باید حرکت کند. وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی این. وحدت حوزه و دانشگاه، معنایش این نیست که حتماً بایستی تخصص‌های حوزه‌ای در دانشگاه و تخصص‌های دانشگاهی در حوزه دنبال بشود. نه لزومی ندارد. اگر حوزه و دانشگاه به هم وصل و خوش بین باشند و به هم کمک بکنند و با یکدیگر همکاری نمایند، دو شعبه از یک مؤسسه‌ی علم و دین هستند. مؤسسه‌ی علم و دین، یک مؤسسه است و علم و دین باهم‌اند. این مؤسسه، دو شعبه دارد: یک شعبه، حوزه‌های علمیه و شعبه‌ی دیگر، دانشگاه‌ها هستند؛ اما باید با هم مرتبط و خوش بین باشند، با هم کار کنند، از هم جدا نشوند و از یکدیگر استفاده کنند. علومی را که امروز حوزه‌های علمیه می‌خواهند فرا بگیرند، دانشگاهی‌ها به آن‌ها تعلیم بدهند؛ دین و معرفت دینی را هم که دانشگاهی‌ها احتیاج دارند، علمای حوزه به آن‌ها تعلیم بدهند. سرّ حضور نمایندگان روحانی در دانشگاه‌ها، همین است. چقدر خوب است که این ارتباط‌ها، برنامه‌ریزی و سازماندهی بشود. این، یکی از بهترین و طبیعی‌ترین وحدت‌هاست.

می‌دانید که در دوران اختناق و در آن هنگامی که دستگاه جبار برای جدا کردن روحانیون از تحصیل‌کرده‌ها، از تمام وسایل استفاده می‌کرد، یک عده روحانی آگاه و عالم و عاقل و مصلحت‌بین و مصلحت‌شناس داشتیم که ارتباطشان را با دانشگاه‌ها مستحکم کردند. بهترین جلسات سخنرانی‌های علمایی مثل مرحوم آیت‌الله مطهری و امثال ایشان، در دانشگاه‌ها بود و مرحوم دکتر مفتاح (یکی از پُرکارترین و فعال‌ترین این‌گونه روحانیون بود).^۲

- قرار گرفتن علم در جهت ارزش‌های اسلامی و اخلاقی

وحدت حوزه و دانشگاه یعنی روآوردن این دو به یکدیگر. یعنی دانشگاه، علم و دانش و تحصیل علم را در جهت ارزش‌های اسلامی و اخلاقی‌ای قرار دهد که در حوزه‌ها روی آن ارزش‌ها با شیوه‌های صد درصد علمی و به طور کامل، کار و تحقیق و تدریس می‌شود. علم در جهت دین؛ علم در جهت اخلاق؛ علم برای انسان؛ علم وسیله‌ای برای بی‌نیازی از بیگانگان؛ علم برای تأمین استقلال ملی؛ علم برای عزت امت اسلامی؛ علم برای این که دیگر آمریکا یا اروپا نتوانند به وسیله‌ی ابزار علم، ملت‌ها را بیچاره و زیر پا لگد مال کنند؛ علم به عنوان یک سپر، یک مدافع و یک وسیله‌ی پرواز. این‌ها همه در صورتی خواهد شد که دانشگاه از حوزه بیاموزد و آن روش‌ها و ارزش‌هایی که در حوزه هست - ارزش‌های دینی و اخلاقی - در محیط دانشگاه نفوذ کند.^۳

- حوزه و دانشگاه دو نهاد مستقل

فرض بفرمایید وقتی ما از وحدت حوزه و دانشگاه می‌گوییم، معنایش این باشد که همه‌ی دانشکده‌های ما - دانشکده‌های گوناگون علمی - در حوزه تشکیل شود! نه؛ مقصود این نیست. دانشکده در جای خودش تشکیل شود، حوزه هم در مرکز جغرافیایی و خارجی خودش. معنای وحدت این نیست که این آن‌جا برود و آن این‌جا بیاید و همه با هم در یک فضا و زیر یک سقف زندگی کنند. این، برداشت ساده‌ای از

۱. پیام به مناسبت آغاز هفته‌ی کتاب، ۱۳۷۲/۱۰/۰۴.

۲. بیانات در دیدار جمع کثیری از دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹.

۳. بیانات در دیدار طلاب و دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳/۰۹/۲۷.

یک قضیه‌ی پیچیده و مهم است.^۱

[درباره وحدت حوزه و دانشگاه] نه امام و نه دیگر بزرگواران نخواستند بگویند که دانشگاه‌ها جمع شوند و قم بروند، یا شعبه‌ای از حوزه‌ی قم شوند؛ یا این که حوزه‌ی قم جمع شود و بیاید در دانشگاه‌ها حل گردد، یا شعبه‌ای از آن‌ها شود. هیچ‌کس این را نخواست و مطرح نکرد. مسئله این است که ما دو نهاد اصیل دانشجویی داریم.^۲

- حوزه؛ ناظر به مسائل دینی در همه‌ی شئون زندگی

یکی متوجه به کسب علوم مربوط به فهم و تبلیغ دین و نوآوری در مباحث دینی و نوآوری در فهم مسائل روز و حادث شونده در زندگی است، که این حوزه است و کارش عبارت است از تحقیق در مسائل دینی و فراگرفتن احکام الهی در همه‌ی شئون زندگی؛ آن هم نه فقط در آنچه که مربوط به کنج محراب یا کنج خانه است، بلکه در قلمرو وسیع زندگی بشر. این گروه، این را باید فراگیرند؛ احکام جدیدش را تحقیق کنند؛ ناخالصی‌ها و ناسره‌ها را از آن بزایند و آن را با زبان مناسب، در هر جامعه‌ای و هر زمانی و هر مخاطبی، به رساترین شکل ممکن به مخاطبین برسانند. این، وظیفه‌ی آن نهاد حوزه‌ای است و اسمش «حوزه‌ی علمیه» است.^۳

- دانشگاه؛ ناظر به امور زندگی منهای مسائل مربوط به دین

نهاد دانشجویی دیگر، ناظر به اداره‌ی امور زندگی مردم، منهای مسائل مربوط به دین است. مردم معاش دارند، کسب دارند، ساختمان دارند، راه دارند، جسم دارند؛ شناسایی‌های گوناگون لازم است، تحقیق در امور زندگی مردم لازم است. علوم مختلف و انواع و اقسام دانش‌ها، برای بهتر کردن و راه انداختن زندگی مردم وجود دارد. این نهاد هم مشغول فراگیری این دانش‌هاست که این‌ها را فرا گیرد و در آن‌ها متخصص و صاحب‌نظر شود؛ درباره‌ی آن‌ها تحقیق کند و آن‌ها را برای پیاده شدن در جامعه آماده نماید؛ تحقیقات نو دنیایی را جذب کند و خودش به‌نوبه‌ی خود، تازه‌هایی در این دانش‌ها بیافریند و به بشریت عرضه کند. این هم یک نهاد دانشجویی دیگر.^۴

- حوزه و دانشگاه؛ دو جریان علمی مکمل یکدیگر

عمق قضیه‌ی وحدت حوزه و دانشگاه، بالاتر از این است. اصلاً مسئله، مسئله‌ی دیگری است. مسئله این است که دو جریان علمی و تحصیلی در کشور ما وجود دارد. یکی از آن دو، به علمی مرتبط است که به جنبه‌های ارزشی جامعه می‌پردازد. این جریان، حوزه است که به دین، به اخلاق، به معارف و به فلسفه‌ی الهی می‌پردازد. اگرچه کار حوزه‌ها، علمی است و در حوزه‌ها دقت‌های علمی، بسیار بالا و بسیار عمیق است؛ اما این کار علمی در خدمت جنبه‌های ارزشی جامعه و در خدمت دین و اخلاق است.

کار علمی جریان دیگر - دانشگاه - در خدمت نیازهای جامعه است. یک جامعه که نمی‌تواند بدون علم و صنعت و بدون پیشرفت‌ها و تازه‌های کشف شده در میدان معرفت علمی، زندگی کند. بشر به علم و عالم همان قدر نیاز دارد که به ضروریات درجه یک زندگی‌اش محتاج است. علوم مختلف - چه علوم محض و چه علوم کاربردی در زندگی؛ مثل پزشکی، مسائل فنی، بقیه‌ی رشته‌های گوناگون علوم و حتی زمینه‌های هنر و ادبیات - همه، وسایل و ابزارهای زندگی انسانند.^۵

۱. بیانات در دیدار طلاب و دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳/۰۹/۲۷.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲/۰۹/۲۴.

۳. بیانات در دیدار دانشجویان، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲/۰۹/۲۴.

۴. بیانات در دیدار دانشجویان، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲/۰۹/۲۴.

۵. بیانات در دیدار طلاب و دانشجویان، ۱۳۷۳/۰۹/۲۷.

۲،۱۳،۲. مصادیق وحدت حوزه و دانشگاه

- امکان ایجاد پژوهش‌های علمی مشترک حوزه و دانشگاه

یکی از چیزهایی که امام بزرگوار روی آن تأکید می‌کردند، ارتباط حوزه و دانشگاه بود؛ حوزه‌ی علمیه در این مورد چه کار می‌خواهد بکند؟ چه طوری ارتباط حوزه و دانشگاه تشکیل خواهد شد؟ ما دفتر همکاری حوزه و دانشگاه داریم - که البته کارهای بسیار باارزش و خیلی خوبی هم کرده است - اما نسبت به آن کار عظیم، فقط بخش کوچکی را اشغال کرده است. تحقیقات مشترک، پژوهش‌های مشترک و کارهای مشترک، می‌تواند وجود داشته باشد. طلاب باید با معارف روزگار خودشان آشنا بشوند و علوم روز را بشناسند؛ البته این به معنای آن نباشد که درس‌های خودشان را رها کنند. برنامه‌های حوزه باید فراگیر باشد و به قدر لازم و کافی طلاب را آشنا کند.^۱

- تبادل روش‌های خوب علمی بین حوزه و دانشگاه

اگر در هر محیط درسی بعضی از روش‌های حوزه را بیاموزند، خوب است. ضمناً این حرف به معنای آن نیست که هر روش درسی حوزه خوب است. ما به بعضی از روش‌های درسی در حوزه ایراد می‌گیریم؛ همان‌طور که خود حوزه‌ای‌ها هم همیشه ایراد می‌گیرند. منظور این نیست که هر چه حوزه دارد، یکسره در دانشگاه بیاورند. البته هر روش خوبی در حوزه است، در دانشگاه آن را یاد بگیرند و هر روش خوبی هم که در دانشگاه است، در حوزه آن را بیاموزند. روش‌های سنتی و روش‌های وارداتی خوب، همدیگر را کامل کنند؛ چون ما با هر وارداتی که بد نیستیم.^۲

البته حوزه‌ی علمیه هم برای این که پیشرفت کند و از جمود خارج شود، باید روش‌های علمی‌ای را به دست آورد که در دانشگاه معمول است. امروز بحمدالله حوزه در این جهت پیشرفت‌های زیادی کرده است. این، آن وحدت مورد نظر امام است. این، آن خصوصیتی است که می‌تواند همه‌ی کشور - هم حوزه و هم دانشگاه - را به کمال مطلوب برساند.^۳

- ایجاد رابطه‌ی عاطفی بین حوزه و دانشگاه

به برادران عزیز در حوزه‌ی علمیه توصیه می‌کنم که نگذارند توطئه‌ی جدایی و تقابل حوزه و دانشگاه بار دیگر به ثمر بنشیند. دانشگاه را همتای علمی خودتان بدانید؛ دو همتا. شما در یک رشته تحصیل می‌کنید، آن‌ها هم در رشته‌های دیگری تحصیل می‌کنند. یک مجموعه‌ی علمی این‌جاست، یک مجموعه‌ی علمی هم محیط دانشگاهی کشور است. همیشه سعی دشمن این بوده است که بین حوزه و دانشگاه نفرت و تنافر و دشمنی به وجود بیاورد. نگذارید این حالت به وجود آید. اگر چهار نفر در گوشه‌ای در یک دانشگاه یک حرکت خلافی انجام دادند، این مثل آن است که دو نفر در حوزه‌ای، در گوشه‌ای، کار غلطی کردند. نه آن را می‌شود تعمیم داد، نه این را می‌شود تعمیم داد. البته این‌جا منظورم از رابطه‌ی حوزه و دانشگاه، رابطه‌ی صرفاً عاطفی است. البته رابطه‌ی علمی و عملی به وسیله‌ی مدیران امکان‌پذیر است، ولی در این مقام، من مسئله‌ی عاطفی را مطرح می‌کنم.^۴

- تعامل حوزه و دانشگاه

نباید کسانی خیال کنند که وقتی ما از وحدت حوزه و دانشگاه صحبت می‌کنیم، یعنی روش‌های حوزه صددرصد به دانشگاه بیاید؛ نه. البته بعضی از روش‌های حوزه، روش‌های بسیار خوبی است و باید دانشگاه‌ها آن‌ها را یاد بگیرند؛ همان‌طور که ما در حوزه، بعضی روش‌های تحقیق را از دانشگاه یاد می‌گیریم.^۵

۱. بیانات در اجتماع طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱.

۲. بیانات در دیدار طلاب و دانشجویان، ۱۳۷۳/۰۹/۲۷.

۳. بیانات در دیدار طلاب و دانشجویان، ۱۳۷۳/۰۹/۲۷.

۴. بیانات در اجتماع بزرگ اساتید، فضلاء و طلاب حوزه‌ی علمیه قم در مدرسه‌ی فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.

۵. بیانات در دیدار طلاب و دانشجویان و اقشار مختلف مردم به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳/۰۹/۲۷.

ما می‌گوییم، حوزه و دانشگاه از روش‌های خارجی هم که برایشان لازم است، استفاده کنند؛ از روش‌های سنتی مفید خودمان هم استفاده کنند. بنابراین، در باب تعامل حوزه و دانشگاه، قضیه در این حدی است که عرض شد.^۱

و. اسناد ملی تولید علم

۱. نقشه‌ی جامع علمی

۱.۱. نقشه‌ی جامع علمی؛ مقدمه‌ی تبدیل کشور به مرجع علمی

این که یک روزی کشور ما و ملت ما کاروان دانش را آن چنان پیش ببرد که بتواند در دنیا مرجع علمی باشد، چیز ممکن است. البته مقدماتی دارد، که این مقدمات بایستی طی شود و این مقدمات شروع هم شده. یکی از این مقدمات، همین خودآگاهی ماست که احساس کنیم که «باید»؛ و احساس کنیم که «می‌توانیم».

یکی دیگر از مقدمات، تهیه‌ی نقشه‌ی علمی جامع کشور است که کشور از لحاظ تحصیل علم و طلب علوم مختلف دچار سردرگمی نباشد. این کار خوشبختانه انجام گرفته. همین دوستان و محققین و برجستگان، برخاسته‌ی از دانشگاه‌ها و از این دانشگاه، توانسته‌اند نقشه‌ی جامع علمی را تهیه و فراهم کنند، که در شرف نهایی شدن است و این یک گام بسیار بلند در راه پیشرفت علم در کشور است.^۲ آنچه که توقع هست، آنچه که به نظر ما بایسته است که انجام بگیرد، او این نیست که این کار [تهیه نقشه جامع علمی] تأخیر بیفتد و طول بکشد؛ یک سال، دو سال بنشینیم تا بالاخره یک نقشه‌ی جامع علمی فراهم کنیم؛ نه، این را فرزندان، نخبگان، برجستگان، به ابتکار شورای عالی انقلاب فرهنگی باید بنشینند تمام کنند و یک چیز پخته و کاملی از آب در بیاورند؛ تا بر اساس آن بشود برنامه‌ریزی علمی برای دانشگاه‌ها و برای آینده‌ی کشور کرد. من همین جا این را هم به وزرای محترم، هم به مسئولان محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی که در این جا تشریف دارند، توصیه می‌کنم که این مسئله دنبال شود.

ما اگر بخواهیم سند چشم‌انداز تحقق پیدا کند و آن مرجعیت علمی که برای کشور پیش‌بینی شده، به وجود بیاید و عملی بشود، ناچاریم که این کارها را انجام بدهیم، که مهم‌ترینش تهیه‌ی نقشه‌ی جامع علمی است. این یعنی یک گام مهم، یک دروازه‌ی مهم به سوی اجرایی کردن اهداف و شعارهایی است که مطرح شده و امروز بحمدالله در محیط‌های علمی به صورت یک گفتمان درآمده است.^۳

۱.۲. فعالیت‌های لازم بعد از تهیه‌ی نقشه‌ی جامع علمی

بعد از آن که نقشه‌ی جامع علمی تهیه و فراهم شد، کارهای دیگری هم بایستی انجام بگیرد؛ از جمله: ایجاد نظام مهندسی این نقشه، تبدیل نقشه‌ی جامع علمی به صدها پروژه‌ی علمی، و سپردن این پروژه‌ها به پیمانکاران امینی که عبارت‌اند از همین دانشگاه‌ها و اساتید و مراکز تحقیقاتی دانشگاه‌ها. بعد، ایجاد شبکه‌ی نظارت بر این پیشرفت علمی؛ حسن اجرا؛ و درگیر کردن استاد، دانشجو، محقق - که حالا دانشجویان پرسیدند در زمینه‌ی پیشرفت علمی، تکلیف ما چیست - این‌ها حتماً باید در این طرح مهندسی نقشه‌ی جامع علمی دیده شود. هر تک دانشجو می‌تواند نقش ایفا کند؛ هر مرکزی از مراکز تحقیقاتی، هر کارگاه آموزشی می‌تواند نقش ایفا کند و اساتید هم می‌توانند. بنابراین، یک کار چند ساله است. این کار چند ساله با شدت، با حدت، با پیگیری تمام، با امید بایستی دنبال شود و ان‌شاءالله به نتایجی خواهد رسید. یقیناً روزی خواهد رسید که شما ببینید مرجعیت علمی یافتن دانشگاه‌های ایران و دانشمندان ایران چیز دور از دسترسی نیست؛

۱. بیانات در دیدار طلاب و دانشجویان، ۱۳۷۳/۰۹/۲۷.

۲. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.

۳. بیانات در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۰۷/۰۹.

خیلی نزدیک به شماست. شما جوان‌ها یقیناً این را خواهید دید؛ من تردیدی ندارم.^۱

گفتمان‌سازی در زمینه نقشه جامع علمی

نقشه‌ی جامع علمی با زحمت و تلاش دوستان تکمیل شد و به جایی رسید و یک سند کامل خوب تهیه شد برای کشور که خیلی مغتنم است. آن کسانی هم که صاحب‌نظر هستند، بعد از اینکه نقشه‌ی جامع علمی کشور تهیه شد - آن طور که به بنده گزارش دادند و منتقل شد - تأیید کردند... منتها این نقشه‌ی جامع علمی باید عملیاتی بشود که قدم اولش هم گفتمان‌سازی است... ما اگر می‌خواهیم یک خواسته‌ای تحقق پیدا کند، قدم اول این است که این خواسته را به صورت یک گفتمان پذیرفته شده در بیاوریم؛ مسئله‌ی علم از همین قبیل بود که یک گفتمان شد و به طور طبیعی وارد جریان عملی شد، عملیاتی شد و به صورت یک جریان درآمد؛ این [مسئله] هم همین جور است. مسائل مربوط به نقشه‌ی جامع علمی کشور باید تبدیل بشود به یک گفتمان و به صورت جدی اجرا بشود؛ این یک نکته است.^۲

۱.۳. رصد میزان عملیاتی شدن نقشه جامع علمی

نقشه‌ی جامع علمی بالاخره بعد از فراز و نشیب‌های زیاد، تصویب شد و ابلاغ شد و عمل شد؛ منتها این نقشه‌ی جامع علمی را باید در اجزای مهم، اجرایی کنیم. این جزو همان چیزهایی است که شما تا در میدان نروید و ملاحظه‌ی میدانی نکنید، نمی‌توانید تشخیص بدهید که چقدر نقشه‌ی جامع علمی عمل شد. چه رشته‌هایی اولویت دارند؟ چه تعداد دانشجوی برای رشته‌های مورد اولویت لازمند و برای رشته‌هایی که اولویت ندارند لازم است؟ همه‌ی این‌ها را باید نقشه‌ی [جامع] علمی برای ما معین کند. در کدام مناطق از کشور، چه رشته‌هایی بایستی مورد توجه قرار بگیرند بر اساس نیازها؟ خب، این طبعاً آمایش سرزمینی وزارت علوم را لازم دارد؛ وزارت علوم باید آمایش سرزمینی‌ای را داشته باشد برای خودش تا بداند که در کجا، دانشگاه چه چیزی لازم دارد.^۳

۱.۴. لزوم ایجاد تعادل واقعی و عادلانه بین رشته‌های گوناگون علمی

آن طوری که در گزارش‌ها من به دست می‌آورم و افراد آگاه و خیره و دانشگاهی و مسئول به ما اطلاع می‌دهند، تقسیم توان در برنامه‌ریزی رشته‌های گوناگون علمی، یک تقسیم عادلانه و صحیح و منطبق با نیاز کشور نیست. یک جاهایی ما رشدهای چشمگیری داریم، یک جاهایی اصلاً حرکتی مشاهده نمی‌شود! این غلط است؛ این ناشی از نبود نقشه‌ی جامع علمی است. درست است که در هر رشته‌ای ما پیشرفت بکنیم، مغتنم است و برای کشور ما که سال‌های متمادی، ده‌ها سال در دوران حاکمیت طواغیت، از کاروان علمی بشر عقب مانده است، هر جایی دستمان به هر چیزی از ثمرات علم و پیشرفت‌های علمی بند شد، مغتنم است؛ در این تردیدی نیست؛ اما اگر می‌خواهیم کشور رتبه‌ی علمی به معنای واقعی کلمه پیدا کند و علم در کشور نهادینه بشود، ما بایستی در رشته‌های گوناگون علمی - چه در آموزش، چه در پژوهش - توازن و تعادل صحیح و واقعی و عادلانه‌ای ایجاد بکنیم؛ این جزو نیازهای ماست.^۴

۲. سند چشم‌انداز کشور

۲.۱. مرجعیت علمی با اجرای سند چشم‌انداز

حالا حکومت، حکومتی است لایق، با کفایت؛ ملت، ملت‌ی است بیدار؛ نخبگان، نخبگانی هستند میدان‌دار و صحنه‌گردان؛ حالا می‌خواهیم جبران کنیم. خوب، یک وقت سند چشم‌انداز را به عنوان یک سند شناسنامه‌ی افتخار در جیب می‌گذاریم و گاهی به سر و دست می‌گیریم؛

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.

۲. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها در هفدهمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ در حسینیه‌ی امام خمینی (ع)، ۱۳۹۴/۰۴/۱۳.

۳. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۰۸/۲۰.

۴. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸.

یک وقت هست نه، سند چشم‌انداز را به عنوان یک دستورالعمل به حساب می‌آوریم و برای جزء جزء آن، راهکار پیدا می‌کنیم. اگر ما بخواهیم الهام‌بخش باشیم، در منطقه مرجع علمی باشیم، این راهکار دارد. راهکارش را در سند چشم‌انداز ما نباید معین کنیم، مسئولان در منطقه‌ی اجرا باید این‌ها را مشخص کنند؛ اصرار ما این است. ما می‌خواهیم این کار در زمینه‌ی مسائل علم و پژوهش به صورت درست، به صورت خوب و کامل انجام بگیرد. علت این اهتمام و این انگیزش این است.^۱

۲,۲. لزوم از بین بردن موانع

جا دارد روی بخش‌های مختلف این سند تحقیق شود؛ پروژه‌های تحقیقی و علمی از این سند استخراج شود؛ بعد با پیشرفت کار در ظرف یک سال، دو سال، مقایسه شود. بالاخره بیست سال را که با یک قدم نمی‌شود برداشت؛ حرکت بیست‌ساله را در بیست سال می‌شود انجام داد؛ البته اگر خوب انجام بگیرد. بنابراین، بعد از یک سال یا دو سال باید معلوم شود که ما در این بخش پیش رفته‌ایم یا نرفته‌ایم. این کار اساتید و دانشگاه‌هاست که بنشینند روی این سند کار کنند؛ موانع را بسنجند؛ مسئولان دولتی و مسئولان کشور را کمک و راهنمایی کنند تا موانع برداشته شود. این، یکی از کارهای بسیار مهم است.^۲

۳. سند گام دوم

۳,۱. توصیه در زمینه علم و پژوهش

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌بیست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دو‌بیست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه‌وهمه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به‌خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.^۳

۳,۲. لزوم تحقق انقلاب علمی

آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ‌ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید مهر و موم‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و

۱. بیانات در دیدار اساتید و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۰۷/۰۹.

۲. بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.

۳. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید.^۱

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.